مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

افزون طلبی و راه های تعدیل ثروت در اسلام

مهدی جمشیدی

بسم الله الرحمن الرحیم

افزون طلبی و راه های تعدیل ثروت در اسلام

نویسنده:

بهروز رشیدی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

افزون طلبی و راه های تعدیل ثروت در اسلام

مشخصات کتاب

افزون طلبی و راه های تعدیل ثروت در اسلام

کد: ۸۸۵

نویسنده: مهدی رشیدی

ناشر و تهیه کننده: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

لیتوگرافی: سروش مهر

چاپ: برهان

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۴

شمارگان: ۱۷۵۰

بها: ۵۰۰ تومان

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پست الکترونیکی: IRC@IRIB.ir و Email: WWW.IRC.ir

تلفن: ۲۹۱۹۶۷۰ - ۰۲۵۱ نمابر: ۲۹۱۵۵۱۰

شابک: ۳-۰۳۲-۵۱۴-۹۶۴ ISBN: ۹۶۴-۵۱۴-۰۳۲-۳ \ ۹۶۴

ص: ۱

اشاره

دیباچه

اهمیت مطالعه ژرف و گسترده روان شناختی و جامعه شناختی در زمینه پدیده حرص و افزون طلبی بر کسی پوشیده نیست. ناگفته پیداست که اگر روحیه فزون خواهی در جامعه ای گسترش یابد و به تدریج، به هنجار اجتماعی بدل شود انباشت و نمایش ثروت، فخرفروشی و درخواست امتیازهای ویژه در لایه های مختلف جامعه رخ می نمایاند. در آن صورت، پیش از اینکه ارزش و احترام انسان به محک فضایل اخلاقی و توان مندی های فکری آنها سنجیده شود، به میزان ثروت و سرمایه او ارزیابی می شود. در این حال، با پدید آمدن شکاف شدید طبقاتی، منزلت های بالا اجتماعی نصیب توانگران و ثروتمندان بی فضل و کمال خواهد شد. جامعه نیز از رشد فکری و تکامل روحی و روانی و توسعه فرهنگی و اقتصادی و... باز می ماند و مسابقه ثروت اندوزی و تجمل گرایی جزو ارزش ها و باورهای نامیمون مردم در خواهد آمد.

آیین حیات بخش اسلام از همان ابتدای بعثت پیامبر گرامی اسلام با آیه کریمه «لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلَنا بِالْبَیِّناتِ وَ أَنْزَلْنا مَعَهُمُ الْکِتابَ وَ الْمیزانَ لِیَقُومَ النّاسُ بِالْقِسْطِ.

ص: ۳

(حدید: ۲۵)، برقراری عدالت در عرصه های مختلف حیات بشری را سرلوحه کار خود قرار داد. اسلام با هرگونه تبعیض و زیاده خواهی به شدت مبارزه می کند و این آموزه در سیره رفتاری و اقتصادی ائمه معصومین علیهم السلام تجلّی یافته است.

انقلاب اسلامی ایران نیز در پرتو راهبری های پیر عدالت گستر، خمینی کبیر رحمه الله، داعیه اجرای آموزه های نورانی الامی را دارد. اکنون نیز شایسته است در سایه رهنمودهای رهبر فرزانه انقلاب که در مناسبت های مختلف، فقر و فساد و تبعیض را عامل انحطاط و تضاد طبقاتی شمرده است و با توجه به عزم جدی رئیس جمهور برگزیده در عدالت گستری، گام های جدی در رفع این معضل برداشته شود. در این میان، زمینه سازی و فرهنگ سازی مناسب اصحاب رسانه بسیار کارساز خواهد بود. امید است در پرتو تلاش همگانی، شاهد برقراری عدالت اجتماعی در عرصه های گوناگون زندگی ملت باشیم.

انّه ولیّ التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

ص: ۴

پیش گفتار

دین اسلام برای تمام جنبه های زندگی انسان، برنامه مشخص ارائه کرده است. تعالیم اسلامی، هم زندگی فردی و هم زندگی اجتماعی انسان را پوشش می دهد. اساس و مجموعه آموزه های اسلامی از سه بخش کلی احکام، اخلاق و عقاید تشکیل می شود که هر کدام از این بخش ها، سلسله قواعد خاص خود را دارد و در حوزه های فردی و اجتماعی مطرح است.

یکی از شاخه های مهم بخش اخلاق، مقوله منع حرص ورزیدن و افزون طلبی است. اگر فرد یا جامعه ای در دام حرص ورزی گرفتار آید و به فکر گریز از آن نباشد، روزبه روز بیشتر در این منجلاب فرو می رود. در نتیجه، در گودال های تباهی غوطه ور خواهد شد.

امام باقر علیه السلام می فرماید:

حریص بر دنیا مانند کرم ابریشم است. هر چه بیشتر بر گرد خود می پیچد، راه بیرون شدنش دورتر و بسته تر می شود تا از غصه بمیرد.(۱)

ص: ۵

۱- ۱.حر عاملی، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البیت لإحیاء التراث، ۱۴۱۴ ه . ق، چ۲، ج۱۶،ص۲۰.

این کلام امام باقر علیه السلام را می توان هم در حیطه فردی و هم در حیطه اجتماعی تفسیر کرد؛ زیرا نتیجه مطرح شده هم در مورد فرد حریص و هم درباره جامعه زیاده خواه مصداق دارد؛ یعنی فرد حریص و زیاده طلب، پایانی جز پشیمانی در دنیا و آخرت ندارد. همچنین جامعه ای که به افزون طلبی مبتلاست، جامعه ای عقب مانده و دور از ارزش های انسانی و اسلامی خواهد بود و بی شک چنین جامعه ای پایانی جز شکست و به دور ماندن از تعالی ندارد.

بخش دیگر تعالیم اسلامی، احکام است که مسائل گوناگون فردی و اجتماعی مانند: نماز، روزه، حج، امربه معروف و نهی ازمنکر، جهاد، اقتصاد، قضاوت و... را در برمی گیرد. احکام و قوانین اقتصادی اسلام، از جمله این احکام اسلامی است که می کوشد تا وضعیت زندگی افراد را سامان دهد. باید گفت برقراری عدالت اقتصادی و توزیع متناسب و عادلانه ثروت در جامعه از مهم ترین و اساسی ترین اهداف مطرح در نظام اقتصاد اسلامی به شمار می رود. اسلام برای رسیدن به این هدف، راهکارهایی ارائه کرده است که در بخش سوم این نوشتار به آن پرداخته خواهد شد.

نوشته حاضر، پژوهشی تألیفی ـ تحلیلی است که در آن کوشیده ایم آیه ها، حدیث ها و دیگر مطالب مرتبط با موضوع، جمع آوری، دسته بندی، تحلیل و تفسیر شوند.

بخش اول: کلیات

اشاره

بخش اول: کلیات

زیر فصل ها

۱. ضرورت بحث از نظر دینی و اجتماعی

۲. پرسش های پژوهش

۳. فرضیه های پژوهش

۴. تعریف مفاهیم

۱. ضرورت بحث از نظر دینی و اجتماعی

از نگاه قرآن و روایات، حرص عاملی است که سبب دوری انسان از ارزش ها می شود و او را به وادی کفر می کشاند. تعالیم اسلامی، انسان ها را از این ویژگی به شدت برحذر می دارد.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «اُصولُ الْکفرِ ثَلاثةٌ: اَلْحِرصُ و الاستکبارُ و الحسدُ؛ اصول و پایه های کفر سه چیز است: افزون طلبی، خودبزرگ بینی و حسد».(۱)

همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در وصیت نامه خود خطاب به حضرت علی علیه السلام می فرماید: «یا علی! أنهاک عن ثلاثِ خِصالٍ اَلْحَسَدُ وَالْحِرصُ وَالْکِبرُ؛ ای علی! تو را از سه خصلت نهی می کنم: حسد، حرص و کبر».(۲)

۱- ۱.وسائل الشیعه، ج۱۵، ص۳۳۹.

۲- ۲.همان، ج ۱۵، ص ۳۶۷.

در جای دیگر، علت رانده شدن حضرت آدم علیه السلام از بهشت، حرص معرفی می شود. امام صادق علیه السلامـمی فرماید:

أَوَّلُ الْحِرْصِ، حِرْصُ آدمَ، نُهِیَ عن الشَّجَرَهِ فَأَکَلَ مِنْها فَأَخْرَجَه حِرْصُهُ مِن الْجنّه.(۱)

اولین حرص، حرص آدم علیه السلام بود که از درخت مخصوص نهی شد، ولی او از آن خورد. بنابراین، حرصش او را از بهشت بیرون کرد.

با توجه به حدیث های یاد شده، اهمیت مقابله با حرص از منظر دین به خوبی روشن است. همچنین لزوم پرداختن به آن، شناسایی ریشه ها و عوامل پیدایش آن و راه های مقابله با آن بر همگان آشکار می شود.

در حوزه اجتماع نیز بررسی دقیق و جامعه شناختی موضوع افزون طلبی، اهمیت ویژه ای دارد؛ زیرا اگر افزون طلبی و زیاده خواهی در جامعه گسترش یابد و رفته رفته به صورت هنجار اجتماعی درآید، بسیار تهدید کننده خواهد بود. در چنین جامعه ای، فرآیند نمایش ثروت و فخرفروشی و زیاده خواهی، رونق خواهد گرفت. پیداست که این روند نتیجه ای جز روی آوردن به مادیات و دوری از معنویات نخواهد داشت. به عبارت دیگر، دارندگی و ثروتمندی، ارزشمند خواهد شد. طبیعی است در چنین جامعه ای، فاصله شدید طبقاتی ایجاد می شود و انواع انحراف ها و فسادهای اجتماعی بروز می کند. همچنین جامعه از رشد و توسعه فکری، فرهنگی و اقتصادی باز خواهد ماند. پس لازم است به هر وسیله ممکن، جلو رشد فکری و عملی این عارضه اخلاقی _ اجتماعی گرفته شود تا بتوانیم در مسیر رسیدن به یک جامعه مبتنی بر ارزش های اسلامی حرکت

۱- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ه . ق، چ۲، ج۱۱، ص۱۴۹.

کنیم.

اسلام، عدالت را هدف ارسال رسولان معرفی می کند. قرآن می فرماید:

لَقَد أَرْسَلْنا رُسُلَنا بِالْبَیِّناتِ وَ أَنْزَلْنا مَعَهُم الْکِتابَ وَ الْمِیزانَ لِیَقومَ النّاسُ بِالْقِسْطْ. (حدید: ۲۵)

به راستی، ما پیامبران خود را با دلایل آشکار فرستادیم و با آنها کتاب آسمانی و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم به عدالت قیام کنند.

این آیه به صورت عام، تمامی حوزه ها از جمله اقتصاد را دربرمی گیرد. برقراری عدالت اقتصادی و توزیع عادلانه ثروت در جامعه، سبب حذف فقر و کاهش شکاف طبقاتی خواهد شد. همچنین سبب می شود تا افراد جامعه در سطح رفاه نسبی باشند. روشن است که در پی این برخورداری متناسب، جامعه از افراط و تفریط نجات یافته و به ثبات و پایداری خواهد رسید.

در اهمیت عدالت اقتصادی و تعدیل ثروت همین بس که حضرت علی علیه السلام علت پذیرفتن خلافت پس از خلیفه سوم را حضور فراوان بیعت کنندگان و به هم خوردن عدالت و تقسیم شدن مردم به دو طبقه سیر و گرسنه بیان می کند.(۱)

۲. پرسش های پژوهش

الف) نظر اسلام درباره افزون طلبی چیست؟

ب) عوامل و زمینه های پیدایش افزون طلبی در فرد و اجتماع چیست؟

۱- نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، قم، انتشارات امام المنتظر عج، ۱۳۸۰، چ ۱، ص ۴۸، خطبه ۳.

ج) پی آمدهای فردی و اجتماعی افزون طلبی چیست؟

د) راهکارهای اسلام برای مقابله با افزون طلبی در حوزه فردی و اجتماعی چیست؟

ه) بین افزون طلبی و نحوه توزیع ثروت و درآمد در جامعه چه رابطه ای وجود دارد؟

و)جهت گیری کلی اسلام درزمینه توزیع ثروت و درآمد درمیان افراد جامعه چیست؟

ز) راهکارهای اسلام برای تعدیل ثروت چیست؟

ح) آثار تعدیل ثروت در جامعه کدامند؟

ط) نقش صدا و سیما در زمینه فرهنگ سازی جامعه از لحاظ مبارزه با افزون طلبی و همچنین توزیع عادلانه ثروت چیست؟

۳. فرضیه های پژوهش

الف) از نظر فردی، آرمان قرار دادن دنیا و از نظر اجتماعی، تغییر نظام ارزشی جامعه به سمت ارزش های مادی را می توان از مهم ترین عوامل پیدایش حرص برشمرد.

ب) توجه به آخرت و قناعت پیشگی در زمینه فردی و تحکیم و تقویت ارزش های معنوی به وسیله نهادها و شخصیت های فرهنگی مؤثر در جامعه، از مهم ترین راه های پیش گیری و درمان حرص پیش بینی می شود.

ج) میان افزون طلبی و نابرابری اقتصادی، رابطه ای دوسویه برقرار است؛ یعنی هریک می تواند علت پدید آمدن دیگری باشد.

ص: ۱۱

د) ماهیت احکام و قوانین اقتصادی اسلام (مانند واجبات مالی و انفاق های مستحبی و منع مواردی همچون اسراف، احتکار و...) به گونه ای است که اگر به خوبی اجرا شوند، درآمد و ثروت به صورت عادلانه و متوازن در میان طبقه های گوناگون جامعه توزیع می شود.

۴. تعریف مفاهیم

الف) حرص (افزون طلبی)

حرص از لحاظ لغوی در المفردات، این گونه تعریف شده است: «الحرصُ فرطُ الشَّرِه و فرط الاراده؛ حرص میل شدید و اراده شدید است.»(۱) از نظر اصطلاحی نیز، حرص حالت و صفتی نفسانی است که آدمی را برای گرد آوردن آنچه بدان نیاز ندارد، برمی انگیزد، بی آنکه به حد و مقدار معینی بسنده کند.(۲)

ب) عدالت

«عدل» از نظر لغوی، این گونه تعریف شده است: «العدلُ لفظٌ یقتضی معنی المساواه؛ عدل لفظی است که اقتضای معنی مساوات و برابری دارد.»(۳) حضرت علی علیه السلام می فرماید: «العَدْلُ یَضَعُ الامور مواضِعَها؛ قرار گرفتن هر چیزی سر جای خودش، عدالت است.»(۴) این عبارت، عدل را به صورت کلی و

۱- راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، انتشارات دار المعرفه، ۱۴۲۲ ه . ق، چ۳، ص ۱۲۰.

۲- علامه مهدی نراقی، جامع السعادات ترجمه: علم اخلاقی اسلامی، ترجمه: سید جمال الدین مجتبوی، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۸۱، چ۶، ج ۲، ص۱۳۷.

۳- المفردات فی غریب القرآن، ص۳۲۹.

۴- نهج البلاغه، ص۷۳۴، حکمت ۴۳۷.

جامع، معنا و بیان می کند. عدالت وقتی برپا می شود که هر چیزی در جای خودش قرار گیرد؛ یعنی هر حقی در هر زمینه ای به صاحب حق برسد و هیچ کس به حق دیگری تجاوز نکند.

معنای اصطلاحی عدالت، در ترکیب با کلمات دیگر مشخص می شود، ترکیباتی مانند: عدالت اجتماعی و عدالت اقتصادی که هر کدام معنای اصطلاحی ویژه خود را دارند.

ج) عدالت اقتصادی

تعریف های گوناگونی درباره مفهوم «عدالت اقتصادی» ارائه شده است که به چند نمونه از آنها اشاره می شود:

یک _ عدالت اقتصادی _ که یکی از مظاهر عدالت اجتماعی است _ به معنای رعایت استحقاق ها و دادن حقوق اقتصادی افراد است.(۱)

دو _ عدالت اجتماعی از نظر اقتصادی آن گاه فراهم می شود که دارایی ثروتمندان تعدیل شود و همه افراد جامعه به یک زندگی متوسط دست یابند. مقصود از تعدیل ثروت این است که در جامعه اسلامی، تفاوت سطح زندگی افراد در حدی نخواهد بود که جامعه را به یک جامعه طبقاتی تبدیل سازد که در آن عده ای فقیر و گروهی بسیار ثروتمند باشند.(۲)

پس منظور از عدالت اقتصادی، قرار گرفتن هر حق اقتصادی در سر

۱- محمد مهدی کرمی و محمد پورمند نبی زاده، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، قم، انتشارات سمت، ۱۳۸۰، چ۱، ص۱۶۹.
۲- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی، قم، انتشارات سمت، ۱۳۷۴، چ۲، صص ۴۰۱ _ ۴۱۰.

جای خودش است؛ به گونه ای که هم حقوق اقتصادی افراد جامعه رعایت شود و هم درآمد و ثروت ملی به شکلی متوازن و عادلانه میان طبقه های گوناگون جامعه توزیع گردد. آن گاه فاصله طبقاتی میان قشرهای گوناگون جامعه، به پایین ترین میزان ممکن می رسد.

د) ثروت (مال)

«مال یک اعتبار عقلایی است که از فایده دارا بودن یک چیز نشئت می گیرد، به گونه ای که سبب پیدایش میل و تقاضای مردم می گردد و نسبت به آن از یکدیگر پیشی می گیرند.»(۱) شهید مطهری در این باره می گوید: «ثروت یا مال عبارت است از هر چیزی که یکی از حوایج طبیعی یا اعتباری، ضروری یا تجملی بشر را برآورد».(۲)

بنابراین، ثروت یا مال، به چیزی گفته می شود که عقلا نسبت به آن رغبت داشته باشند؛ در دسترس نباشد و بتوان برای آن محدودیت در نظر گرفت. قید محدودیت داشتن یا کمیاب بودن، به این معناست که به اندازه ای زیاد نباشد که به راحتی در دسترس همگان قرار گیرد، مانند: هوا، نور خورشید و... .

این تعریف، عمومی و کلی است، ولی از نظر فقه اسلامی، مال افزون بر آنکه ارزش مبادله ای دارد، باید منافعش حلال و قانونی باشد. بنابراین، بعضی اشیا که از نظر عرف و اقتصاد، مال به شمار می آید، ممکن است از دیدگاه فقه و حقوق اسلامی، مال نباشد. برای نمونه، شراب، آلات لهو و

۱- مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، صص ۵۸ و ۵۹.

۲- مرتضی مطهری، نظری به نظام اقتصادی اسلام، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۵، چ۶، ص۴۵.

قمـار ممکن است در برخی جوامع، مـال به شـمار رود، در حـالی که از نظر شارع و قانون گـذار اسـلامی، مال نیست. بنابراین، آثار حقوقی مربوط به اموال، این موارد را شامل نمی شود.(۱)

مال به سه دسته کلی تقسیم می شود:

یک ــ عین: مالی است که وجود مادی داشته و با حواس ظاهر قابل درک باشد.

دو ــ منفعت: عبارت از فایده و ارزش مصرفی حاصل از عین خارجی است.

سه ــ حق: برخی حقوق، مالیت دارند؛ یعنی ارزش مبادلاتی دارند، مانند: سرقفلی، تألیف، اختراع و... .(۲)

ه) تعدیل ثروت

منظور از «تعـدیل ثروت»، این است که ثروت به صورت عادلانه در میان قشـرهای گوناگون جامعه توزیع شود؛ یعنی نبایـد در دست گروه ویژه ای در گردش باشـد. قرآن کریم این مفهوم را بـا این عبـارت بیـان می کنـد: «کَیْ لاـ یَکُونَ دُولَهً بَیْنَ الْأَغْنِیاءِ مِنْکُمْ؛ تا اموال در میان ثروتمندان شما دست به دست نگردد». (حشر: ۷)

در اینجـا به تعریف دیگری از «تعـدیل ثروت» اشاره می کنیم: «مقصود از تعـدیل ثروت این است که در جامعه، تفاوت سـطح زندگی افراد در حدی نخواهد بود که جامعه را به یک جامعه طبقاتی تبدیل کند که در آن

۱- مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، ص ۵۹.

۲- همان، صص ۵۹ و ۶۰.

عده ای فقیر باشند و گروهی بسیار ثروتمند».(1)

باید گفت تعدیل ثروت، دو شاخصه کلی دارد که عبارت است از:

یک _ ساکن نماندن مال در دست یک گروه خاص؛

دو _ نبودن اختلاف شدید طبقاتی.

در هر جامعه ای که این دو ویژگی وجود داشته باشد، تعدیل ثروت برقرار خواهد بود؛ یعنی در آن جامعه، ثروت در میان قشرهای گوناگون جامعه به صورت عادلانه توزیع شده است.

۱- مبانی اقتصاد اسلامی، ص ۴۱۰.

بخش دوم: افزون طلبی (حرص)

اشاره

بخش دوم: افزون طلبی (حرص)

زیر فصل ها

۱. ریشه های پیدایش افزون طلبی

۲. پی آمدهای افزون طلبی

۳. راهکارهای مقابله با افزون طلبی

۱. ریشه های پیدایش افزون طلبی

اشاره

از مهم ترین مسائل در هر بحثی، تجزیه و تحلیل دقیق موضوع به منظور یافتن ریشه ها و عوامل پیدایش آن است. درباره موضوع افزون طلبی نیز باید ریشه های پیدایش آن را بشناسیم تا برای پیش گیری و درمان آن موفق تر باشیم. طبیعی است که این ریشه ها را باید در فرد یا اجتماع جست وجو کرد که در اینجا به تفکیک، این موارد را بررسی می کنیم:

الف) ریشه های فردی

یک _ بدگمانی نسبت به خداوند

از اساسی ترین زمینه های بروز حرص در انسان، بدگمانی نسبت به خداوند است. «حکیم» یکی از صفات ثبوتیه خداوند است و این صفت به این معناست که خداوند هیچ کاری را بیهوده و بدون حکمت انجام نمی دهد. بنابراین، هر امری از امور آفرینش حکمتی دارد و بدون هدف نیست. این مطلب واقعیتی است که اگر انسان به درستی آن را نشناسد، دچار بدگمانی نسبت به خداوند خواهد شد؛ یعنی نسبت به فعل الهی درباره خودش بدگمان است و آن را از روی حکمت و هدف و خیر قلمداد نخواهد کرد.

حال که مفهوم بدگمانی نسبت به خداوند روشن شد، ارتباط آن با مقوله حرص و افزون طلبی را بیان می کنیم.

امام رضا علیه السلام می فرماید:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمود: بدان که ترس و بخل و حرص، غریزه ای هستند که بدگمانی نسبت به خداوند، عامل پیدایش آنهاست.(۱)

یعنی انسانی که از غیرخدا بترسد یا از ترس فقر، بخل بورزد، یا به خاطر زیاد کردن مالش، در جمع آوری ثروت، حرص داشته باشد، او خدا را به درستی نشناخته است و به رزاق بودن او ایمان ندارد. چنین فردی به این آیه قرآن که می فرماید: «وَ ما مِنْ دَابَّهٍ فِی ٱلْأَرْضِ إِلاّ عَلَی اللّهِ رِزْقُها؛ هیچ جنبنده ای در زمین نیست مگر اینکه روزی او برعهده خداوند است». (هود: ۶) ایمان واقعی ندارد. همین سبب می شود که بیشتر کوشش خود را برای جمع آوری مال به کار گیرد و از پرداختن به امور معنوی و انجام دادن واجبات الهی در زمینه های مالی و غیرمالی باز بماند. طبیعی است که در پی چنین حالتی، روحیه حرص و زیاده خواهی و افراط در تأمین نیازها در انسان ریشه می دواند و اگر کنترل و درمان نشود، شقاوت انسان را در پی خواهد داشت.

دو _ دنیادوستی

در پاره ای دیگر از روایت ها، «حب دنیا»، منشأ حرص در انسان مطرح شده است. امام علی علیه السلام می فرماید:

مَن لَهِجَ قَلبُهُ بِحُبِّ الدنیا التاط قلبُهُ منها بثلاث؛ هَمّ لایُغَبِّبُهُ و حرصٍ لایُترکُهُ و أملٍ

ص: ۱۸

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۷.

لایُدْرِکُهُ.(۱)

آن کسـی که قلب او با دنیاپرستی پیوند خورد، همواره جانش گرفتار سه مشکل است: اندوهی رهانشدنی، حرصی جدانشدنی و آرزویی نایافتنی.

دوستی دنیا، سبب غفلت انسان می شود و او تنها می کوشد که به رفاه بیشتری دست یابد. از سوی دیگر، چون مال و ثروت از مظـاهر فریبنـده دنیـاست، انسـانِ دوسـتدار دنیـا برای رسـیدن به خوشـی های دنیا، پیوسـته در تلاش و تکاپو است و هر چه این حرکت او گسترش پیدا کند، حرص او نیز شدت خواهد یافت.

پس انسـانی که دوستی دنیـا در قلب او جـای گرفته و دنیـاپرست شـده است، همواره در پی آرزوهـای طولانی خویش است و همان گونه که در حدیث بالا اشاره شد، اندوهی رهانشدنی گریبان گیرش می شود و حرص بر او چیره خواهد شد.

سه ـ جاودانه دانستن دنیا

ثروتمنـدان مؤمن به فکر زیردسـتان خود هسـتند. آنان به ثروت خود به چشم ودیعه ای الهی می نگرند که اداره و مدیریت آن از سوی خداونـد در این زمان کوتاه زندگی، به آنها واگذار شده است تا چگونگی عمل آنها در قبال این وظیفه، روشن شود. قرآن در این باره می فرماید:

وَ اعْلَمُوا أَنَّما أَمْوالُکُمْ وَ أَوْلادُکُمْ فِتْنَهٌ وَ أَنَّ اللّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظیمٌ. (انفال:۲۸)

و بدانیـد اموال و فرزنـدان شـما وسـیله آزمایش است و (برای کسانی که از عهـده امتحان برآینـد) پاداش عظیمی نزد خـداوند است.

۱- نهج البلاغه، ص ۶۷۶ ، حکمت ۲۲۸.

این اموال، وسیله آزمایش خداوند هستند تا به این وسیله انسان ها سنجیده شوند و مشخص شود چقدر حاضرند ثروتشان را در مسیر الهی و برای دستگیری از بندگان او به کار گیرند. البته در جامعه ای که به بیماری افزون طلبی مبتلاست، این تفکر میان ثروتمندان به خاموشی می گراید و روحیه سودجویی گسترش می یابد. ریشه همه این حالت ها آنجاست که افراد ثروتمند، شرایط خود را ایستا، پایدار و جاودانه می پندارند: «یَحْسَبُ أَنَّ مالَهُ أَخْلَدَهُ؛ و او گمان می کند که اموالش او را جاودانه می سازد.» (هُمَزه: ۳) آنان درک نکرده اند که دورانی کوتاه روی این کره کوچک خاکی می زیند(۱) و در سرای آخرت باید پاسخ گوی همه کارهای خود باشند.

ب) ریشه های اجتماعی

یک ــ ریشه های فرهنگی

از مهم ترین علل فرهنگی پیدایش حرص در جامعه، پدیده «باارزش شدن ثروت و ثروتمند» است. برای تشریح چگونگی ارتباط پدیده باارزش شدن ثروت و ثروتمند در جامعه با مبحث افزون طلبی، لازم است که خود این پدیده و علل بروز آن در جامعه را بیشتر توضیح دهیم.

خداوند بزرگ در نهاد و فطرت انسان ها نیازهایی را قرار داده است. براساس نظریه آبراهام مازلو (Maslow,۱۹۷۷) همه انسان ها پنج دسته نیازهای فطری دارند:

اول ــ نیازهای جسمی؛

ص: ۲۰

۱- فرامرز رفیع پور، آناتومی جامعه، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۸، چ ۱، ص ۴۸۶.

دوم ــ نیاز به امنیت؛

سوم ــ نیاز به روابط اجتماعی و محبت؛

چهارم ــ نیاز به تأیید و احترام؛

پنجم ــ نیاز به خویشتن یابی.

در این میان، نیاز به احترام (منزلت، عزت نفس، حفظ آبرو، قدرشناسی) سبب می شود که انسان ها از توهین و توبیخ، ناراحت و از تشویق و تمجید، خوشحال شوند.(۱)

«نیاز به احترام، بر اساس مقیاس های ارزشی موجود در جامعه برآورده می شود. بنابراین، اگر ارزش های یک جامعه از جنبه مادی به شکل معنوی تغییر کند، انسان ها برای جلب احترام، به آن سو می روند (مانند زمان جنگ در ایران). اگر هم ارزش ها به سوی مادیات تغییر کند، به همان گونه، انسان ها نیاز به تأیید و احترام خود را در کالاهای مادی و تجملات جست وجو می کنند.»(۲) در چنین جامعه ای که ملاک های ارزشی، مادی شده باشند، ثروت، ارزشمند و ثروتمند، محترم شمرده خواهد شد.

بنابراین، پدیده «باارزش شدن ثروت و ثروتمند» از نیاز به احترام در جامعه ای که مقیاس های ارزشی آن به سمت مادیات تغییر یافته باشد، سرچشمه می گیرد؛ یعنی «تأثیر نمایش یا خودنمایی براساس ابزار ظاهری ثروت (اتومبیل، لباس، وسایل منزل و...) ابتدا از قشر

۱- همان، صص ۴۱ ــ ۴۸.

۲- همان، ص ۴۹.

بالا و ثروتمند شروع می شود. در مرحله بعد، به قشر متوسط سرایت می کند. با پیروی قشر متوسط از ارزش های مادی قشر بالا، حرکت هنجاری و همه گیرِ مقایسه اجتماعی و احساس محرومیت نسبی، قشر پایین را نیز فرامی گیرد و آنها نیز از قشر بالا تقلید می کنند. به این ترتیب، مقیاس های ارزشی و مادی قشر بالا، برای اکثریت به یک ارزش هنجار شده یا ارزش اجتماعی تبدیل می گردد».(۱)

پس در پی گسترش مقیاس های ارزش مادی در سطح جامعه و هم سو شدن نیاز به احترام افراد جامعه با آن، گرایش به ثروت بیشتر می شود. در نتیجه، افزون طلبی و حرص ورزی در جمع آوری ثروت به وجود خواهد آمد.

عوامل مؤثر در تبدیل شدن ثروت به ارزش اجتماعی عبارتند از:

الف) نابرابری اجتماعی به ویژه در حوزه اقتصادی؛

ب) اقداماتی برای نیازآفرینی، از جمله واردات انواع کالاها و تبلیغات روزافزون رسانه ها؛

ج) کاهش درآمدها؛

د) مقایسه اجتماعی و احساس محرومیت نسبی؛

هـ) فشار هنجاری (یعنی تأثیر و فشاری که از سوی جامعه به افراد وارد می شود تا آنها هم سو با ارزش های اجتماعی حرکت کنند)؛

و) انتشار پیروی از ارزش های مادی در سطح جامعه و تبدیل شدن ارزش های مادی و ثروت به یک ارزش هنجار شده یا ارزش اجتماعی.(۲)

ص: ۲۲

۱- فرامرز رفیع پور، توسعه و تضاد، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۶، چ۳، ص۲۱۴.

۲- همان، صص ۱۹۷ _ ۲۱۵.

درباره ارتباط میان افزون خواهی و عدالت اقتصادی باید گفت نابرابری اقتصادی سبب ارزشمند شدن ثروت و ارزش های مادی می شود و در پی آن افزون طلبی در جامعه بروز می یابد و رشد می کند.

از سوی دیگر نیز این ارتباط برقرار است؛ یعنی «حرص و آز مردم و افراط آنها در برآوردن نیازهای فطری، از عوامل اصلی نابرابری اجتماعی و اقتصادی است»؛(۱) زیرا وجود روحیه افزون طلبی و افراط در برآوردن نیازهای فطری، قشر ثروتمند جامعه را بیش از پیش ثروتمند می کند. این بدان علت است که حرص و ولع افراد ثروتمند هم در جمع آوری ثروت و برآوردن دیگر نیازهایشان بیشتر است و هم ابزار بیشتری برای دست یابی به خواسته های خود دارند. این افراد به سبب حرص زیاد و دوستی دنیا، از انفاق های مستحبی و پرداخت واجبات مالی می پرهیزند. این امر فقر و تنگ دستی هر چه بیشتر طبقه مستضعف و محروم جامعه را در پی دارد. در نتیجه، به نابرابری اجتماعی و اقتصادی و توزیع ناعادلانه ثروت در جامعه خواهد انجامید.

بنابراین، میان افزون طلبی و نابرابری اقتصادی ارتباطی دوسویه برقرار است. به این معنی که هر یک می تواند علت وجود دیگری باشد و آن را تقویت کند. همین طور در صورت بروز یکی از این دو، دیگری نیز در جامعه به وجود خواهد آمد.

به این ترتیب، از یک سو، نمایش ثروت و فخرفروشی طبقه بالای

ص: ۲۳

۱- آناتومی جامعه، ص ۴۷۷.

جامعه و از سوی دیگر، اقدامات برای نیازآفرینی سبب می شود که در جامعه، ثروت به ارزش تبدیل و «دارندگی، برازندگی» شود. بدین ترتیب، ثروتمندان بیشتر مورد توجه و احترام مردم قرار گیرند و درنتیجه بیشتر فخرفروشی کنند. از سوی دیگر، مردم نیز کوشش می کنند تا به معیارهای ظاهری ثروت _ که از سوی قشر بالا تعیین می شود _ دست یازند.(۱) نتیجه همه این جریان ها، بروز پدیده افزون طلبی در جامعه خواهد بود.

دو _ ریشه های سیاسی

سیاست مداران به خاطر جایگاه ویژه ای که در اجتماع دارند، می توانند الگویی برای افراد جامعه باشند. بنابراین، اگر آنها به سمت اشرافی زیستن و مسابقه در تجملات حرکت کنند و وظیفه خود را _ که همانا خدمت رسانی به مردم است _ به خوبی انجام ندهند، اشرافیت گری و افزون طلبی و تجمل پرستی به صورت هنجار درمی آید و از سطح زندگی سیاست مداران به طبقات پایین تر جامعه رسوخ خواهد کرد. بنابراین، فساد «حاکمان و مدیران جامعه» به سبب تأثیرگذاری ویژه ای که در جامعه دارند، می تواند جامعه را به فساد بکشاند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آلهفرمود:

دو گروه از امت من هستند که اگر اصلاح شوند تمام امت اصلاح می شوند و اگر فاسد شوند تمام امت فاسد می شوند. پرسیدند: ای رسول خدا! آن دو گروه چه کسانی هستند؟ پیامبر پاسخ داد: فقها و امیران.(۲)

۱- توسعه و تضاد، ص ۲۱۵.

۲- بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۳۳۶.

همچنین جمله معروف «الناس علی دین ملوکهم؛ مردم بر دین و آیین حاکمان خود هستند»، مبیّن پیروی و الگوگیری رعیت از حاکمان و مـدیران است. به این ترتیب، گفتار و رفتار مردان سیاسـی و حاکمان و مـدیران، می تواند از عوامل زمینه ساز افزون طلبی و اشـرافیت گرایی در جامعه باشـد؛ یعنی فساد حاکمان و مـدیران و رویکرد دنیاپرستی و تجمل پرستی در آنها، جامعه را به فساد و افزون طلبی دچار می سازد.

سه ـ ریشه های اقتصادی

اول ـ وجود ربا در نظام اقتصادی جامعه

اگر ربا در جامعه گسترش یابـد، مشارکت در کار و سرمایه از میان می رود. این به آن معناست که فرد سـرمایه دار و ثروتمند بـدون انجام کار اقتصادی مولّد و مفید و تنها با قرض دادن پول خود به دیگران و گرفتن مازاد، روز به روز بر ثروت خود می افزایـد. از سوی دیگر، قشـر ضـعیف و آسیب پذیر جامعه، به دلیل شـرایط بد اقتصادی و نیازهای مالی خود ناگزیر باید از این افراد پول قرض بگیرد. این در حـالی است که بایـد بهره آن را نیز پرداخت کنـد. در نتیجه، وضـعیت معیشتی اسف بـاری پیـدا خواهد کرد. ادامه این روند سبب خواهد شد که نیازمندان و محرومان جامعه، نیازمندتر و رباخواران، حریص تر و ثروتمندتر و به طبقه استثمارگر تبدیل شوند.

بنـابراین، وجود پدیـده ربـاخواری در جـامعه زمینه افزایش ثروت را برای افراد سـرمایه دار فراهم می کنـد. چون «هر چه انسان نیازهایش بیشتر ارضا

شود، بیشتر احساس نیازمندی می کند»،(۱) در نتیجه، افزون طلبی در طبقه ثروتمند جامعه، بیش از پیش رونق خواهد یافت.

دوم _ سیاست های اقتصادی دولت

یکی از عوامل بسیار اثرگذار در نظام ارزشی جامعه، سیاست های اقتصادی دولت است. بالا بردن سطح زندگی مردم نباید سبب غرق شدن مردم در مادیات و غفلت از معنویات شود؛ زیرا اگر مسئولان به این نکته توجه نکنند، نظام ارزشی جامعه دگرگون می شود و مردم به سوی مادیات و مسابقه در مصرف و تجملات کشیده خواهند شد.

برای مثال، اگر دولت، سیاست و الگوی اقتصادی خود را «رشد و توسعه اقتصادی» قرار دهد و به ملاک های دیگر مانند عدالت و توزیع عادلانه ثروت توجه نکند، این امر سبب می شود تا ثروت و ثروتمند بیش از اندازه مورد توجه قرار گیرد. این حالت، روحیه سودجویی و افزون طلبی و استکباری را در ثروتمندان شدت می بخشد و مستضعفان جامعه را در حسرت داشتن ثروت و احساس محرومیت بیشتر فرو می برد. چنین روندی، به پدید آمدن افزون طلبی و حرص و ولع در به دست آوردن ثروت در همه قشرهای جامعه از فقیر و غنی، خواهد انجامید.

در مقابل این سیاست، باید به آموزه های دینی مراجعه کنیم. در شرع مقدس اسلام، برخلاف نظام سرمایه داری، اقتصاد و کارآیی اقتصادی هدف نیست، بلکه وسیله ای برای فراهم آوردن زمینه رشد معنوی انسان ها به

۱- آناتومی جامعه، ص ۵۱.

شمار می رود. بنابراین، از نظر اسلام زمانی کارآیی اقتصادی و رشد اقتصادی مطلوب است که در کنار عدالت اقتصادی باشد. اگر رشد اقتصادی به پدید آمدن قله های ثروت در کنار دره های فقر بیانجامد، از دیدگاه اسلامی مطرود خواهد بود.

با این توضیح ها روشن می شود که ارکان اقتصادی جامعه و سیاست گذاران نظام اقتصادی باید پی آمدهای تصمیم خود را در سطح جامعه پیش بینی کنند. اگر آن را متناقض اهداف اقتصاد اسلامی (از قبیل عدالت اقتصادی، جلوگیری از انباشته شدن ثروت در دست توانگران، رفع فقر از جامعه، تحکیم و تقویت ارزش های معنوی و اخلاقی و...) یافتند، از اجرای آن بپرهیزند؛ زیرا اگر این گونه نباشد و نابرابری اقتصادی در جامعه گسترش یابد، ثروت در جامعه ارزش پیدا می کند و مردم با ولع به جمع آوری هر چه بیشتر آن می پردازند. به این ترتیب، افزون طلبی در جامعه رواج خواهد یافت.

نابرابری اقتصادی و به عبارتی توزیع غیرعادلانه ثروت در جامعه، اقشار جامعه را به دو گروه ثروتمند و فقیر تقسیم می کند. طیف ثروتمند به دلیل توانگری و بهره مندی از امکانات بیشتر، روزبه روز بر ثروت خود می افزایند. وقتی این پدیده با سیری ناپذیری نیازهای انسان ترکیب می شود، جریان افزون خواهی و زیاده خواهی را در پی خواهد داشت. از سوی دیگر، در طیف فقیر و محروم نیز ضعف مالی و همچنین دیدن ثروتمندان و نمایش ثروت به وسیله آنها در سطح جامعه، باعث خواهد شد تا ثروت در نظر آنها مطلوب و ارزشمند شود و نسبت به آن احساس محرومیت

نسبی داشته باشند. در نتیجه، دست یابی به آن را هدف خود قرار دهند. در چنین جامعه ای هم فقیر و هم غنی، از ارزش های معنوی دور می شوند و به مادیات روی خواهند آورد که نتیجه ای جز شیوع افزون طلبی در جمع آوری مال و ثروت، نخواهد داشت.

۲. پی آمدهای افزون طلبی

اشاره

حرص و افزون طلبی از آفت های اخلاقی در انسان و جامعه انسانی به شمار می رود. پس از آنکه ریشه های فردی و اجتماعی پیدایش حرص بررسی شد، حال برآنیم تا پی آمدهای وجود چنین آفتی را در فرد، خانواده و اجتماع بررسی کنیم.

الف) پی آمدهای فردی

یک ـ غفلت از یاد خداوند

«بزرگ ترین آفت حرص در انسان، غفلت از یاد خداوند است. قرآن می فرماید:

مسابقه و مفاخره در داشتن مال و نفرات بیشتر، شما را از سعادت واقعی خودتان، به خود مشغول کرد تا آنجا که برای شمردن نیاکان خود به قبرستان رفتید. (تکاثر: ۱ و ۲)

در المفردات درباره کلمه «لهو» چنین می خوانیم: لهو به معنای هر کار بیهوده و بی ارزش است که آدمی را از کار مهم و پرارزش باز دارد. وقتی می گویند: «الها»، «کذا».(۱) معنایش این است که آن کار بیهوده وی را به خود مشغول کرد و از کاری مهم تر بازش داشت. خداوند می فرماید: «أَلْهاكُمُ

ص: ۲۸

۱- المفردات فی غریب القرآن، صص ۴۵۸ و ۴۵۹.

التَّکاثُرُ».

علامه طباطبایی رحمه الله در تفسیر آیه های یاد شده، می گوید:

بنابر آنچه به کمک سیاق فهمیده می شود، معنای آیه این است که تکاثر و مفاخرت شما در داشتن مال و زینت دنیا و مسابقه گذاشتن در جمع عِدّه و عُدّه، شما را از آنچه واجب بود، بازداشت و آن عبارت بود از ذکر و یاد خداوند. در نتیجه، عمری را به غفلت گذراندید تا مرگتان فرارسید.(۱)

بنابراین، از نظر اسلام، استفاده معقول از نعمت های الهی مطلوب و مورد تأکید قرار گرفته است. در مقابل، افراط و زیاده روی در زیباسازی و هدف شمردن رفاه و آسایش در زندگی و در پی آن خوش گذرانی و عیاشی بی حد و مرز نکوهش می شود؛ چون پی آمدهای فردی و اجتماعی نامطلوبی در پی خواهد داشت. در چنین وضعی، افراد جامعه از یاد خداوند غافل و اسیر مظاهر دنیا می شوند. در نتیجه، به جای شکرگزاری و استفاده معقول از نعمت ها، روحیه لذت طلبی، رفاه زدگی و افزون طلبی در آنها اوج می گیرد تا جایی که به موارد مشروع بسنده نمی کنند و به طغیان و سرکشی می پردازند.(۲)

دو ـ غم بی پایان و سلب آسایش

انسان حریص، به سبب حرص و ولع شدید در جمع آوری مال، دچار غمی بی پایان خواهد بود. امام باقر علیه السلام می فرماید:

۱- علامه سید محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، تهران، انتشارات محمدی، ۱۳۶۳، چ ۳، ج ۴۰، ص ۳۶۸.

۲- محمد جمال خلیلیان اشکذری، فرهنگ اسلامی و توسعه اقتصادی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، ۱۳۸۱، چ ۱، ص ۱۸۷.

حریص بر دنیا مانند کرم ابریشم است، هر چه بیشتر بر گرد خود می پیچد، راه بیرون شدنش دورتر و بسته تر می شود تا از غصه بمیرد.(۱)

این حدیث با تشبیه حریص بر دنیا به کرم ابریشمی که به دور خود می تند و لحظه به لحظه راه بیرون رفتن خود را تنگ تر می کند، گویای این حقیقت است که اگر فرد حریص به فکر درمان خود نباشد، گام به گام به مرگ روحی خود نزدیک تر می شود. فرد حریص در غم رسیدن به مال بیشتر روزگار می گذراند و این غم تا پایان عمر همراه او خواهد بود و آسایش را از او سلب خواهد کرد. امام صادق علیه السلام می فرماید:

محرومیت های حریص دو خصلت است و لازمه آن هم دو ویژگی دیگر است؛ محرومیت از قناعت که آرامش و راحتی را از دست می دهد و محرومیت از رضا که یقین را از دست می دهد.(۲)

به راستی چرا برای حرص و افزون طلبی، پایانی متصور نیست و انسان هر چه بیشتر به دست آورد، باز بیشتر می خواهد و این دور باطل پایانی ندارد؟ باید یادآور شد که نیازهای مادی صرف و ناب انسان عموما اشباع پذیرند، ولی نیازهای دیگر به ویژه نیاز به احترام بسیار قابل انبساطند. از آنجا که نیازهای مادی ناب کمتر به دست می آید و خانه و ماشین و دیگر وسایل ارضای نیازهای جسمی، با نیاز به احترام و آبرو آمیخته اند، بنابراین، در عمل، ارضای نیازهای جسمی، اشباع ناپذیر خواهند بود. این به آن معناست که انسان ابتدا نیازی را احساس می کند و آرزوی

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۰.

۲- همان.

ارضای آن را در سر می پروراند. وقتی این نیاز ارضا شد، انسان شادمان می شود، ولی شادمانی اش کوتاه مدت است. پس از آن، او آرزوهای بزرگ تری خواهد داشت.(۱)

«به این ترتیب، هر چه انسان نیازهایش بیشتر ارضا شود، بیشتر احساس نیازمندی می کند؛ یعنی کسانی که به طور عینی نیازهایشان (بر اساس ارزیابی و مقایسه دیگران) بیش از همه ارضا شده است و باید راضی و خوش بخت باشند، بیش از هر کسی به طور ذهنی (یعنی از دید خودشان) احساس نیازمندی می کنند.»(۲) در این زمینه، رسول اکرم صلی الله علیه و آله چنین می فرماید: «لیس الغنی فی کَثرَه العرض، إنما الغنی، غنی النفس؛ بی نیازی به فراوانی ثروت نیست، بلکه بی نیازی تنها در روحیه بی نیازی است.»(۳) یعنی روحیه و احساس بی نیازی، امری ذهنی است، نه عینی که چنین حالتی تنها با قناعت _ که نقطه مقابل حرص است _ به دست می آید.

بنابراین، زندگی و فعالیت و تلاش برای برآوردن نیاز، یک سراب است که انسان هرچه به سوی آن بدود، به آن نمی رسد.(۴) این سراب و چنین غایتی می تواند انسان را در تمام مدت عمرش به خود مشغول سازد و آرامش را از وی سلب کند. در نتیجه، هم در دنیا غمی بی پایان

ص: ۳۱

۱- آناتومی جامعه، صص ۵۰ و ۵۱.

۲- همان، ص ۵۱.

۳- شیخ علی نمازی، مستدرک سفینه البحار، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ج ۸، ص ۲۵.

۴- آناتومی جامعه، ص ۵۲.

دامن گیرش می شود و هم در آخرت، توشه ای نخواهد داشت «و لفی خسر»(۱) خواهد بود.

سه _ از دست دادن یقین و رضا

با توجه به قسمت دوم حدیث امام صادق علیه السلام درباره محرومیت های فرد حریص _ که ذکر آن گذشت _ یکی از محرومیت های فرد حریص، محرومیت از مقام رضایت است؛ یعنی به آنچه خداوند به او داده، راضی نیست.

همان گونه که در قسمت پیش گفته شد، افزون طلبی نقطه پایانی ندارد. نتیجه این امر آن است که فرد حریص در هیچ شرایطی و در هیچ سطحی از امکانات دنیا راضی نیست و پیوسته برای به دست آوردن امکانات و ثروت های بیشتر می کوشد. بنابراین، رضایت از خداوند و قناعت به آنچه را او قسمت و روزی اش کرده است، از دست خواهد داد.

چهار _ بی پروایی در گناهان

فرد حریص و زیاده خواه، به سبب حرص در جمع آوری هرچه بیشتر مال، حاضر است به هر کاری دست بزند و از هر راه ممکن، ثروت خود را افزایش دهد. طبیعی است که چنین فردی رفته رفته در گناه و نافرمانی خداوند غوطه ور خواهد شد.

امام علی علیه السلام می فرماید: «اَلْحِرصُ و الْكبرُ و الْحَسدُ دَواعٍ إلى التَّقَحُّمِ فِی الذُّنوب؛ حرص ورزی، خودبزرگ بینی و حسادت، عوامل بی پروایی در گناهان

۱- این تعبیر از آیه ۲ سوره عصر گرفته شده است.

هستند.»(۱) در جای دیگر، امام صادق علیه السلام خطر حرص را بسیار جدی و سرنوشت ساز می داند تا جایی که آن را از اصول و پایه کفر برمی شمارد و می فرماید: «أُصولُ الْکُفرِ ثَلاثَهٌ؛ اَلْحِرصُ وَ الْإستکبارُ وَ الْحَسَدُ؛ حرص، خودبزرگ بینی و حسد، از اصول و پایه های کفر هستند».(۲)

فرد حریص و افزون طلب، تنها به افزایش ثروت خود می اندیشد، هرچند این افزایش ثروت از راه درآمد غیرمشروع و حرام باشد. در نتیجه، ثروت و مال اندوزی باعث می شود چشم و گوش او نسبت به حقایق بسته شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آلهفرمود: «حُبّکَ لِلشیء یُعمی و یصمّ؛ دوست داشتن یک چیز، انسان را کر و کور می کند».(۳)

دنیادوستی و پول پرستی، چشم حریص را کور می کند و وی را به پرتگاه گناه می افکند؛ به گونه ای که ممکن است تا مرز کفر پیش برود. چنین فردی، انسانی مسخ شده است که از هویت انسانی خود دور افتاده است و از دست یابی به سعادت و قرب الهی ــ که هدف آفرینش انسان است ــ باز می ماند.

ب) پی آمدهای خانوادگی

اشاره

خانواده، کوچک ترین و در عین حال، مهم ترین و مؤثرترین نهاد اجتماعی است. شخصیت افراد جامعه در خانواده شکل می گیرد؛ زیرا افراد، دوران کودکی و نوجوانی خود را ــ که مهم ترین دوران شکل گیری

۱- نهج البلاغه، ص ۷۱۸، حکمت ۳۷۱.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۳۹.

۳- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۶۵.

شخصیت انسان است در خانواده می گذرانند.

«ارکان و پایه های زنـدگی انسان بالغ و رشـید، به چگونگی دوران کودکی بسـتگی دارد. در این دوره است که رفتار کودک به ویژه رفتـار عـاطفی و اجتماعی در اثر ارتباط با والـدین و اطرافیان تکوین پیـدا می کنـد. شـخص بیشتر عادت ها و رفتارهای عقلی دوران حیـاتش را در دوران طفـولیت کسب می کنـد و تقریبـا در این مرحله است که کیفیت سازگـاری بـا محیـط را در طول زنـدگی خود یاد می گیرد. ازاین رو، کیفیت رفتار شـخص را در دوران حتی سالمندی می توان در همان خردسالی پیش بینی کرد».(۱)

به این ترتیب، اهمیت و جایگاه خانواده و میزان اثرگـذاری آن بر اصـلاح جامعه را می توان دریافت؛ زیرا اگر خانواده اصـلاح شود، جامعه اصـلاح می شود و اگر بنیان خانواده متزلزل شود، جامعه به فساد کشـیده خواهـد شـد. با این مقدمه به بررسـی پی آمدهای افزون طلبی در خانواده می پردازیم:

یک _ کاهش محبت و عاطفه در محیط خانواده

بنیـان و پـایه خانواده براساس عاطفه ریخته می شود. به عبارت دیگر، محبت و عاطفه و مهرورزی به یکـدیگر جزو جدانشـدنی خانواده است که اگر آسیب ببیند، کانون خانواده متلاشی و از درون تهی خواهد شد.

چنـانچه حرص و افزون طلبی در جامعه رواج یابـد، ارزش های مادی بر جامعه و خانواده حکم فرما خواهنـد شـد. چنین حالتی سبب می شود تـا ارزش هـای معنوی ماننـد: محبت، عـاطفه، ایثـار، گـذشت و کمـک به دیگران در خـانواده کم رنگ شود و همگی در اندیشه افزایش ثروت و امکانات خود باشند. این روند در داخل خانواده نیز سبب می شود تا

۱- علی اکبر شعاری نژاد، روان شناسی رشد، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۴، چ ۵، ص ۱۵.

نگاه مادی اعضای خانواده به مسائل از عشق ورزی آنان نسبت به یکدیگر بکاهد.

دو ـ متزلزل شدن آرامش خانواده

خداوند در قرآن کریم، فلسفه آفرینش زوجین را آرامش در کنار یکدیگر بیان می کند:

وَ مِنْ آیاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَکُمْ مِنْ أَنْفُسِکُمْ أَزْواجًا لِتَسْکُنُوا إِلَیْها وَ جَعَلَ بَیْنَکُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً. (روم: ۲۱)

و از نشانه های او این است که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد.

افزون طلبی سبب می شود تا زوجین به هیچ حدی از رفاه و ثروت راضی نشوند و در تب و تاب رسیدن به امکانات و مال بیشتر باشند. با توجه به اینکه این غریزه انسان پایانی ندارد، آرامش را از فرد و خانواده خواهد گرفت. بی شک، در خانواده ای که در آن آرامش نباشد، اعضای آن دچار بیماری های گوناگون جسمی و روانی مانند: اضطراب، استرس و افسردگی خواهند شد.

سه ـ تربیت نادرست فرزندان

خانواده در ایجاد جامعه سالم نقش کلیدی دارد. حال اگر خانواده از ارزش های معنوی فاصله گیرد و به سمت مادیات گرایش پیدا کند، این روحیه به فرزندان نیز سرایت می کند و آنها نیز از این آسیب مصون نخواهند ماند. این امر، تربیت نادرست فرزندان و دوری آنها از ارزش های

اصیل دینی را در پی دارد که خود این نیز باعث فساد هر چه بیشتر جامعه خواهد شد.

ج) پی آمدهای اجتماعی

یک ـ پی آمدهای فرهنگی

افزون طلبی در جمع آوری مال سبب می شود که نظام ارزش در جامعه تغییر کند و به سمت ارزش های مادی پیش رود. نتیجه چنین پدیده ای در جامعه، کم رنگ شدن معنویات مانند: ایثارگری، گذشت، انفاق، همیاری، تعاون، دستگیری از نیازمندان و قناعت خواهد شد. در نتیجه، فساد، انحراف های اجتماعی، تجاوز به حقوق دیگران و استثمار گسترش خواهد یافت. همچنین گرایش به سودجویی و سودپرستی، تجمل گرایی، ترک نیکوکاری، ترک صله رحم و ترک تعهد و مسئولیت های اجتماعی، در جامعه رواج پیدا خواهد کرد.

دو ـ پی آمدهای اقتصادی

اول ـ نابرابری اقتصادی

حرص ورزی و افراط در برآوردن نیازهای مادی سبب می شود که ثروت در دست یک عده خاص قرار گیرد و روز به روز بیشتر شود. این حالت، تعدیل ثروت در جامعه را ـ که از اصول مسلّم اسلامی است ـ برهم خواهد زد. به عبارت دیگر، اگر افراد سرمایه دار و ثروتمند جامعه دچار افزون طلبی شوند؛ حاضر نخواهند بود واجبات مالی و انفاق های مستحبی خود را بپردازند. در نتیجه، ثروت آنها به صورت تصاعدی فزونی خواهد یافت. از سوی دیگر، طبقه ضعیف و آسیب پذیر جامعه نیز روز به روز ضعیف تر و فقیرتر خواهد شد. به این ترتیب، با افزون طلبی برخی

ص: ۳۶

گروه های اجتماعی، تعادل و توازن توزیع ثروت در جامعه برهم خواهد ریخت.

دوم اخلال در چرخه تولید، توزیع و مصرف

ثروتمندان و سرمایه داران در یک جامعه زیاده خواه فرصت خواهند یافت تا بر شاه راه های تولیدی تسلط یابند و تولید را به سمت کالاهای لوکس و غیرضروری پیش ببرند. هدف افراد حریص از این عمل، پاسخ گویی هر چه بیشتر به حس افزون طلبی خودشان است، حال آنکه از سیری ناپذیری این روحیه غافل شده اند. نه تنها با این کار، به این نیاز آنها پاسخ داده نمی شود، بلکه چندین برابر رشد می کند. نتیجه این عملِ طبقه ثروتمند و استثمارگر، بی پاسخ ماندن نیازهای واقعی و ضروری جامعه خواهد بود.

در توزیع نیز چون عدالت در توزیع ثروت و کالاها و خدمات ــ به خاطر انباشته شدن آن در دست یک گروه خاص و افزون طلبی این گروه ــ برقرار نیست؛ ثروتمندان جامعه بیشترین سهم را در توزیع کالاها و خدمات خواهند داشت و ممکن است از راه احتکار، انحصار و واسطه گری های بی مورد، سودهای کلانی را روانه حساب های بانکی خود کنند. این در حالی است که همه فشار ناشی از این اقدامات ناسالم اقتصادی را قشر ضعیف و پایین دست جامعه متحمل خواهد شد. این رویه در مصرف نیز ادامه پیدا می کند؛ یعنی ثروتمندان، بسیار فراتر از نیاز و در مقابل، محرومان بسیار کمتر از حد نیاز مصرف خواهند داشت که هر دو نامطلوب است.

خلاصه کلام اینکه افزون طلبی، روند درست و مبتنی بر رعایت حقوق

همگان در نظام اقتصادی (تولید، توزیع و مصرف) را به هم می ریزد و نابسامانی اقتصادی را در پی خواهد داشت.

سه _ پی آمدهای سیاسی

از پی آمدهای اقتصادی افزون طلبی، وابستگی اقتصادی است. این موضوع سبب می شود که موضع چنین جامعه وابسته ای در روابط سیاسی و بین المللی ضعیف و احساس وابستگی و حقارت داشته باشد. چنین جامعه ای حاضر است برای منافع اقتصادی خود از برخی ارزش های دینی چشم پوشی کند. در حالی که چنین وضعیتی برای یک جامعه اسلامی پذیرفته نیست. قرآن می فرماید: «وَ لَنْ یَجْعَلَ اللّهُ لِلْکافِرِینَ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ سَبِیلاً؛ و خداوند هرگز برای کافران نسبت به مؤمنان راه تسلط باز نخواهد کرد». (نساء: ۱۴۱)

بر اساس این آیه، هر امری که سبب سلطه بیگانگان و کافران بر اهل ایمان شود، از سوی شرع مقدس اسلام ممنوع و حرام اعلام شده است. بنابراین، اگر افزون طلبی در جامعه نیز در نهایت، به سلطه کفار بیانجامد، پدیده ای نامطلوب است که باید با هر وسیله و از هر راه ممکن از پیدایش و رشد آن در جامعه جلوگیری شود و اگر به دلایلی در جامعه رواج یافت، باید برای درمان آن بکوشیم.

۳. راهکارهای مقابله با افزون طلبی

اشاره

۳. راهکارهای مقابله با افزون طلبی

زیر فصل ها

الف) درمان فردی افزون طلبی

ب) درمان اجتماعی افزون طلبی

الف) درمان فردی افزون طلبی

اشاره

در قسمت درمان فردی افزون طلبی، در دو حوزه بحث را پیش می بریم: حوزه اول، درمان علمی و فکری حرص است. به عبارت دیگر، در این حوزه به درمان اعتقادی حرص پرداخته می شود. حوزه دوم نیز

درمان حرص در مرحله عمل است.

یک درمان علمی

اساسی ترین گام در درمان فردی حرص این است که روزی دادن را مختص خداوند بدانیم و روزی را فقط از او بخواهیم. خداوند در قرآن می فرماید: «وَ ما مِنْ دَابَّةٍ فِی ٱلْأَرْضِ إِلاّ عَلَی اللّهِ رِزْقُها؛ هیچ جنبنده ای در زمین نیست مگر اینکه روزی او بر خداست». (هود: ۶)

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه چنین می گوید: «قول خداوند که می فرماید «علی اللّه رزقها» بر وجوب رزق بر خداوند دلالت می کند و بارها در قرآن آمده است که رزق از افعال مختص خداوند است و اینکه آن حقی برای خلق نسبت به خداوند است.»(۱) انسان با اندیشیدن در این آیه باید به این یقین برسد که خداوند هرگز هیچ مخلوقی را بدون روزی نمی گذارد. پس رزق او هم مانند همه آفریده های خداوند برعهده خداست. او، خود، روزی جنبندگان روی زمین را تضمین کرده است.

قرآن می فرماید:

هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می سازد و او را از جایی که گمان ندارد و به حساب نمی آورد، روزی می دهد. (طلاق: ۲۳)

در تفسیر المیزان در شرح این آیه آمده است: «هر کس از محرمات الهی به خاطر خدا و ترس از او بپرهیزد و حدود او را نشکند و حرمت شریعتش را هتک ننموده، به آن عمل کند، خدای تعالی برایش راه نجاتی

۱- تفسیر المیزان، ج ۱۹، ص ۲۳۹.

از تنگنای مشکلات زندگی فراهم می کند و از همسر و مال و هر چیز دیگری که مایه خوشی زندگی او و پاکی حیاتش باشد، از راهی که خود او هم احتمالش را ندهد و توقعش را نداشته باشد، روزی می فرماید. پس مؤمن این ترس را به خود راه ندهد که اگر از خدا بترسد و حدود او را محترم بشمارد و به این جهت از آن محرمات کام نگیرد، خوشی زندگی اش تأمین نشده و به تنگی معیشت دچار گردد. نه، این طور نیست. برای اینکه رزق از ناحیه خدای تعالی ضمانت شده و خدا قادر است که از عهده ضمانت خود برآید».(۱)

امام صادق علیه السلام در پرسش تأمل برانگیزی می فرماید: «إن کان الرزق مقسوما فالحرصُ لماذا؟؛ اگر رزق مقسوم و قسمت شده است، پس حرص ورزی برای چیست؟»؛(۲) یعنی اگر انسان معتقد باشد که رزق هرکسی مشخص است و هیچ کس بدون روزی رها نشده است، به حرص ورزی در جمع آوری مال و افزون طلبی و زیاده خواهی مبتلا نخواهد شد.

با توجه به این حدیث، هرکس رزق مقسوم و معینی دارد که خداوند آن را حق طبیعی او قرار داده است. اگر به آن دست نیافت، یا خود کوتاهی کرده است یا دیگران، او را از حقش محروم ساخته اند.(۳)

انسان مؤمن و متوکل به خداوند بر اساس نظام حکیمانه _ که برای هر

۱- همان، ج ۳۸، صص ۲۷۵ و ۲۷۶.

۲- بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۱۶۰.

۳- فرهنگ اسلامی و توسعه اقتصادی، ص ۲۱۱.

چیزی اسباب خاص خودش را قرار داده است ـ به دنبال کسب و کار می رود تا روزی خود را تأمین کند. البته این اسباب و ابزار، مایه آرامش و اطمینان و تکیه گاه اصلی او نیستند، بلکه تکیه گاه اصلی او، توجه اصلی او به خداوند است که همه عالم در ید قدرت او است. چنین انسانی در ورای همه این ظواهر، دست خدا را می بیند و می داند که او متکفل روزی مخلوقات خود و کارساز واقعی است. بنابراین، کار و تلاش خود را صرفا وسیله ای برای رسیدن به رزق الهی می داند و در نتیجه، دچار حرص و افزون طلبی نخواهد شد.

با گسترش فرهنگ و اعتقاد به رزق مقسوم و توکل بر خداوند در جامعه، زمینه حرکت های ناسالم اقتصادی همانند احتکار، گران فروشی، حبس کردن ثروت و راکد گذاردن سرمایه ها (که همه ریشه در حرص و ولع و افزون طلبی دارد) از میان خواهد رفت؛ زیرا افراد باایمان می دانند رزق و روزی حلال و مقدر الهی با حرص و ولع افزایش نمی یابد.(۱)

امام صادق علیه السلام می فرماید:

حرص ورزیدن شخص حریص عامل جلب رزق نیست و بد آمدن و ناخوشایندی شخص نیز باعث رد رزق نمی شود.(۲)

دو ـ درمان عملی

اول ـ میانه روی و قناعت

ضد حرص، قناعت است. قناعت در المفردات، این گونه تعریف شده

۱- همان، ص ۲۱۵.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۰۲.

است: «القنـاعهُ الا ـجتزاء باليسـير من الا ـعراض المحتـاج اليها؛ قناعت اكتفا به مقـدار كم از آن كالاهايى است كه انسان به آنها محتاج است.»(۱) از نظر اصـطلاحى، قناعت، ملكه اى است براى نفس كه سـبب اكتفا كردن از مال، به اندازه ضـرورت است؛ بدون اينكه در طلب زيادتر از آن سعى كند و خود را به رنج افكند.(۲)

يكى از راه هـاى عملى دفع حرص، قنـاعت پيشـگى است؛ يعنى انسـان قنـاعت و اكتفا را در خود تقويت و از حرص ورزى در جمع آورى مال خوددارى كنـد. امام باقر عليه السـلامفرمود: «اِدْفَعْ عَظيمَ الْحِرْصِ بِايثارِ الْقِناعه؛ حرص شديد را با به كار بسـتن قناعت از بين ببر».(۳)

«افراد يـك جـامعه مى تواننـد بـا رعـايت زهـد و قنـاعت، مصارف غيرلازم را در خوراك، پوشاك، مسـكن و وسايل زنـدگى كاهش دهند و از خريد كالاهاى لوكس و تجملى و هزينه براى ساختمان هاى مجلل خوددارى كنند. اين روش، امكان صرف سرمايه هاى اضافى را در امور توليدى و زيربنايى فراهم ساخته و نه تنها سـطح اشتغال را در جامعه بالا مى برد و بى كارى، فقر و محروميت عده زيادى را حل مى كند، بلكه درآمد و ثروت را در جامعه به صورت عادلانه توزيع مى كند».(۴)

در اين قسمت بايد يادآورى كنيم كه زهد و قناعت، به چگونگى

۱- المفردات فى غريب القرآن، ص ۴۱۴.

۲- علم اخلاق اسلامى ترجمه: جامع السعادات، ص ۱۳۸.

۳- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۶۲.

۴- فرهنگ اسلامى و توسعه اقتصادى، ص ۱۸۵.

بهره گیری از امکانات و مصرف بستگی دارد، ولی درباره تولید این گونه نیست. هر چه تولید در راستای رفع نیازهای واقعی جامعه باشد، مطلوب است؛ چرا که سطح رفاه عمومی را بالا می برد. بزرگان دین مانند امیرالمؤمنین علی علیه السلام و دیگر ائمه علیهم السلام، هرگز از کار و تلاش و تولید باز نایستادند و در آیه ها و روایت ها نیز به کار و تلاش سفارش شده است. البته در تولید، بیشتر تلاش ها باید برای افزایش کیفیت و مطلوبیت کالاها و خدمات صورت گیرد، نه اینکه کمیت تولید، تنها ملاک تولیدکنندگان قرار گیرد.

دوم _ طمع نداشتن به مال دیگران

از دیگر شیوه های درمان حرص، چشم طمع نداشتن به مال دیگران است. انسان باید در زندگی دنیا همیشه به پایین تر از خود نگاه کند. این مطلب به قدری مهم است که خداوند خطاب به رسولش می فرماید:

وَ لا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلى ما مَتَّعْنا بِهِ أَزْواجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَياةِ الدُّنْيا لِنَفْتِنَهُمْ فيهِ وَ رِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَ أَبْقى. (طه: ۱۳۱)

و هرگز چشمان خود را به نعمت های مادی که به گروهی از آنان داده ایم، میفکن. اینها شکوفه های زندگی دنیاست تا آنان را در آن بیازماییم و روزیِ پروردگارت بهتر و پایدارتر است.

با تأمل در این آیه، انسان متوجه می شود که نعمت ها و مال و مقام دنیا، تنها وسیله ای برای آزمایش است و انسان مؤمن نباید به آنها چشم بدوزد و حریص باشد، بلکه باید از آنها در حد کفایت و ضرورت بهره برد. به همان مقدار هم راضی و قانع باشد و رزق خداوند در سرای آخرت را بهتر و پایدارتر بداند.

سوم _ یاد مرگ

یاد مرگ، آثار بسیار مثبت و ارزنده ای دارد و سبب درمان بسیاری از بیماری های روحی و اخلاقی انسان هاست. حرص نیز از جمله بیماری هایی است که یاد مرگ و به خاطر آوردن لحظه جان کندن از دنیا می تواند در درمان آن راه گشا باشد. یاد مرگ، فانی بودن دنیا را در نظر انسان جلوه گر می سازد و او را از دل بستن به آن و افزون طلبی مصون می دارد. امام صادق علیه السلاممی فرماید: «ذکرُ الموتِ یُطفی ء نارَ الْحِرصِ؛ یاد مرگ آتش حرص را در انسان خاموش می کند».(۱)

یاد مرگ سبب می شود که انسان از غفلت رهایی یابد و اندکی به خود آید و برای آخرت خود زاد و توشه فراهم کند. بنابراین، از حرص ورزی در جمع آوری مال و ثروت _ که مظاهر دنیا و مایه غرق شدن انسان در غفلت هستند _ دست برمی دارد و برای رسیدن به زندگی پاک که حضرت علی علیه السلام آن را زندگی با قناعت(۲) نامیده اند، گام برخواهد داشت.

ب) درمان اجتماعی افزون طلبی

یک _ درمان فرهنگی

برای درمان فرهنگی افزون طلبی، به هنجارسازی نیاز داریم؛ یعنی همان گونه که افزون طلبی در پی با ارزش شدن ثروت در جامعه به صورت هنجار درآمده است، نهادها و شخصیت های فرهنگی مؤثر باید این نظام

۱- بحارالانوار، ج ۶ ، ص ۱۳۳.

۲- نهج البلاغه، ص ۶۷۶ ، حکمت ۲۲۹.

فرهنگی را درهم بشکنند و جامعه را به سمت ارزش های معنوی و قناعت پیشگی بکشانند. اگر مسئولان فرهنگی جامعه در این امر؛ یعنی تبدیل قناعت _ که نقطه مقابل حرص است _ به یک ارزش فردی و اجتماعی توفیق یابند، آن هنگام قناعت پیشگی به صورت هنجار درمی آید و از سوی افراد جامعه پذیرفته خواهد شد. طبیعی است که در پی این نظام ارزشی جدید، جامعه از پرتگاه افزون طلبی و در نهایت نابودی نجات خواهد یافت.

آنچه در اینجا بیشتر توضیح می دهیم، فرآیند تبدیل یک ارزش به یک هنجار اجتماعی است که مراحل ویژه خودش را دارد؛ یعنی فرآیند انتشار و تبدیل یک پدیده به هنجار طبعا بی درنگ انجام نمی گیرد. اعضای جامعه نسبت به پدیده های جدید، واکنش های متفاوت نشان می دهند. بنابراین، لازم است که اعضای جامعه و واکنش های گوناگون آنها را از یکدیگر تفکیک و شناسایی کنیم.

برای جای گزین کردن ارزش های معنوی به جای ارزش های مادی در جامعه و نهادینه کردن آنها، باید مراحل ویژه ای را پیمود. این فرهنگ سازی، ابتدا باید از خود مسئولان آغاز شود. به گونه ای که مردم جامعه عملاً این ارزش های معنوی و دوری از تجملات را در زندگی آنان ببینند. پس از این، نوبت به افراد جامعه می رسد. در این مرحله، شخصیت و نهادهای متولی امور فرهنگی جامعه که براساس گفته بالا، خود پیراسته از افزون طلبی هستند، با برنامه ها و امکانات گوناگون فرهنگی از جمله: رادیو، تلویزیون، مجلات، تبلیغات، ساخت برنامه های رادیویی و

ص: ۴۵

تلویزیونی در این جهت می تواننـد فرهنگ و روح قناعت را به جامعه معرفی کننـد. آن گاه جامعه را از ارزش آن آگاه سازند و نظر آنها را به این موضوع جلب کنند تا مردم نیز پس از ارزیابی و آزمایش و تطبیق آن با دیگر اصول دینی و اعتقادی خود، رفته رفته و در فرآیندی که برای تبدیل یک ارزش به هنجار اجتماعی بیان شد، آن را بپذیرند.

دو ـ درمان سیاسی

با توجه به اینکه سـیاست مداران و مدیران جامعه می توانند برای افراد جامعه الگو باشـند، راه حل درمان افزون طلبی جامعه در حوزه سـیاست این است که مردان سیاسی کشور بـایستی از بهـا دادن به ارزش های مادی در گفتار و رفتار و سـبک زنـدگی بپرهیزند. همچنین لازم است دستگاه های نظارتی ویژه ای برای نظارت بر عملکرد آنها معین شود.

حضرت علی علیه السلام بر والیان خود نظارتی کامل داشت و آنها را درباره مسائل مهم و حیاتی جامعه، مورد بازخواست قرار می داد. در نامه های گوناگون حضرت علی علیه السـلام عبارت «بَلَّغَنی؛ به من خبر رسیده است» و عبارت هایی شبیه آن زیاد به چشم می خـورد. این مطلب گویـای این حقیقت است که حضـرت در محـدوده فرمـان برداری هریـک از والیـان، نـاظران و گزارشگرانی نیز داشته است که اخبار و حوادث را به ایشان می رساندند.

درمان سیاسـی افزون طلبی و زیاده خواهی در جامعه این است که خود رجال سیاسی، خوی افزون طلبی را از خود دور کنند و به قناعت روی آورند. افزون بر آن، به شـکلی دقیق و بدون تبعیض بر عملکرد مسـئولان نظارت داشـته باشند تا در صورتی که مسئولی به افزون طلبی روی آورد، به

سرعت با او برخورد شود.

سه _ درمان اقتصادی

مهم ترین و مؤثرترین راه حل های اقتصادی مقابله با حرص _ همان گونه که در بحث ریشه های اقتصادی حرص مطرح شد _ حذف ربا و نابرابری اقتصادی از نظام اقتصادی جامعه با در پیش گرفتن های سیاست های درست اقتصادی برای تعدیل ثروت و تأمین حداقل معیشت و رفاه برای همه قشرهای جامعه است. دستگاه های اقتصادی باید با بررسی دلایل رواج رباخواری در جامعه، برای رفع آنها بکوشند و دستگاه قضایی نیز بایستی با رباخواران به شدت و بدون ملاحظه برخورد کنند.

نابرابری اقتصادی و توزیع ناعادلانه و نامتوازن ثروت در میان قشرهای گوناگون جامعه یکی از مهم ترین عوامل پیدایش حرص و افزون طلبی در جامعه است. بنابراین، درمان اقتصادی افزون طلبی، تعدیل ثروت خواهد بود. عدالت اقتصادی که لازمه آن توزیع عادلانه ثروت است، از مهم ترین اهداف اقتصاد اسلامی به شمار می رود؛ یعنی اگر این اصل کلیدی و اساسی در جامعه برقرار نشود، بسیاری از مناسبات اجتماعی و اقتصادی افراد، مختل و به انحراف کشیده خواهد شد.

پس لازم است که عدالت اقتصادی و تعدیل ثروت از نظر اسلام را به درستی بشناسیم و برای برقراری آن در جامعه تلاش کنیم. بدین منظور در قسمت بعد، عدالت اقتصادی و تعدیل ثروت در اسلام بررسی می شود.

ص: ۴۷

بخش سوم: عدالت اقتصادی و تعدیل ثروت در اسلام

اشاره

بخش سوم: عدالت اقتصادی و تعدیل ثروت در اسلام

زیر فصل ها

۱. مبانی عدالت اقتصادی

۲. راهکارهای تحقق عدالت اقتصادی در اسلام

۳. تعدیل ثروت در اسلام

۱. مبانی عدالت اقتصادی

اشاره

در مکتب های گوناگون، دیدگاه های متفاوتی درباره عدالت اقتصادی وجود دارد. این اختلاف ها از نوع نگرش آنها به جهان و به عبارتی دقیق تر، از تفاوت در جهان بینی آنها سرچشمه می گیرد. در این قسمت، برای آشنایی کوتاه با دیدگاه های مکتب های گوناگون درباره عدالت اقتصادی، به نظریه های دو مکتب سوسیالیسم و سرمایه داری اشاره می شود.

الف) دیدگاه مکتب سوسیالیسم

اصول و قواعد اصلی مکتب سوسیالیسم، به صورت زیر خلاصه می شود:

یک ـ محو طبقات و از میان بردن تمام آثار آن به وسیله ایجاد جامعه غیرطبقاتی؛

دو ـ ملی کردن منابع ثروت و ابزار تولید در کشور؛

ص: ۴۸

سه ــ توزیع براساس «از هر کس برحسب نیروی او و برای هریک برحسب کار او».(۱)

عـدالت اقتصـادی از دیـدگاه مکتب سوسـیالیسم، به معنـای تسـاوی مطلق است و علت اصـلی بی عـدالتی در میان افراد جامعه، وجود مالکیت خصوصـی است. راه حلی هم که این مکتب ارائه می دهد، حذف مالکیت خصوصی و همگانی شدن ثروت در جـامعه است. پس از اینکه مالکیت، اشتراکی و همگانی شـد، توزیع درآمـد و ثروت براساس اصل «از هر کس برحسب نیروی او و برای هریک برحسب کار او» صورت می گیرد.

این مکتب در پی ایجاد تساوی مطلق بین همه افراد در توزیع درآمـدهاست که در عمل، ناممکن و نامطلوب است؛ زیرا در این صورت، افراد در قبـال انجـام کارهـای آسـان و پیچیـده به یـک میزان مزد دریـافت می کننـد. در چنین حـالتی، افراد به سـمت کارهای ساده رو می آورند و برای انجام دادن کارهای بزرگ و تولیدی انگیزه ای ندارند.

مکتب سوسـیالیسم، ریشه تمـام نـابرابری هـا را سـرمایه و مالکیت خصوصـی می دانـد، ولی با اجرا شـدن ایـده سوسـیالیسم در تعدادی از کشورها و از میان رفتن مالکیت خصوصـی و کنترل سرمایه در دست دولت، همچنان شاهد وجود تفاوت و نابرابری میان افراد و موقعیتشان هستیم. این تجربه در واقع تأیید می کند که به غیر از مالکیت، عناصر

۱– سـید محمد باقر صدر، اقتصاد ما، ترجمه: محمد کاظم موسوی، تهران، انتشارات برهان و مؤسسه انتشارات اسلامی، ۱۳۵۰، چ۱، ج۱، صص ۲۶۳ و ۲۶۴.

دیگری نیز در پیدایش نابرابری نقش دارند.(۱)

ب) دیدگاه مکتب سرمایه داری

قواعد و پایه های اساسی مکتب سرمایه داری عبارتند از:

یک ــ محترم شمردن و نامحدود دانستن مالکیت خصوصی.

دو ــ آزادی مطلق در استفاده و بهره کشی از امکانات و افزایش ثروت.

سه ــ آزادی مصرف؛ یعنی هر فردی آزاد است که ثروتش را آن گونه که می خواهد برای رفع نیازمندی ها و خواسته های خویش خرج کند.(۲)

بنابراین، در مکتب سرمایه داری، مالکیت خصوصی یک اصل کلی و بدون محدودیت شناخته شده است و مالکیت عمومی یا دولتی، یک استثنا و رفع ضرورت اجتماعی به شمار می رود.

نظام سرمایه داری در توزیع، بر ارزش کالاها و خدمات متکی است؛ یعنی هر کس که مالک ارزش کالاها و خدمات نباشد، در زندگی حقی ندارد. ناتوانی فرد برای شرکت در تولید دو دلیل دارد: یا فرصتی برای شرکت به دست نمی آورد یا به سبب حضور رقیبانی قوی، توان شرکت ندارد. بنابراین، همیشه در محرومیت و فقر به سر می برد و باید با مرگ دست و پنجه نرم کند.(۳)

در حقیقت، عدالت اقتصادی در نظام سرمایه داری، چندان معنا ندارد،

۱- آناتومی جامعه، ص ۴۶۹.

۲- اقتصاد ما، ج ۱، صص ۳۰۱ و ۳۰۲.

۳- همان، ص ۳۳۴.

بلکه مانع رشد و توسعه اقتصادی است و فقط برای رفع فقر مطلق اقتصادی (و آن هم به خاطر ضرورت های اجتماعی) سفارش می شود تا افراد جامعه از حداقل امکان معیشت برخوردار باشند. در این مکتب، هرگز به رفع فاصله طبقاتی افراد جامعه (فقر نسبی) پرداخته نمی شود؛ چون هدف، رشد تصاعدی سود سرمایه است، هر چند سبب پیدایش تضادهای بنیادین طبقاتی در جامعه گردد.

ج) دیدگاه اسلام

در اسلام، عدالت اقتصادی یک هدف اقتصادی است. این هدف در کنار اهدافی همچون تحکیم ارزش های معنوی و اخلاقی، نداشتن وابستگی اقتصادی، خودکفایی و اقتدار سیاسی و اقتصادی، توسعه و رشد و رفاه عمومی، مجموعه اهداف اقتصاد اسلامی را تشکیل می دهد. در اسلام، نه تنها بر رفع فقر مطلق، بلکه بر رفع فقر نسبی و حذف شکاف طبقاتی تأکید شده است.

در اسلام نه مانند مکتب سوسیالیسم، مالکیت خصوصی نفی شده و نه مانند مکتب سرمایه داری، بدون محدودیت رها شده است. اسلام، منطقی اعتدالی دارد که از یک سو، مالکیت خصوصی را می پذیرد و از سوی دیگر، برای آن، محدودیت هایی وضع می کند تا مالکیت خصوصی افراد سبب نشود بخش بسیاری از ثروت جامعه، در دست گروهی ویژه قرار گیرد.

دیدگاه اقتصادی اسلام، بر پایه توحید استوار است و همه فعالیت های اقتصادی و غیراقتصادی انسان را برای رسیدن به رضایت پروردگار

ص: ۵۱

می داند. بنابراین، اقتصاد و فعالیت های اقتصادی، همگی وسیله ای برای رسیدن به این هدف هستند و نباید خود آنها را هدف مستقل در نظر گرفت. با این مبانی، بحث عدالت اقتصادی و متوازن بودن ثروت میان گروه های گوناگون جامعه مطرح می شود تا همگی بتوانند فارغ از دغدغه های مالی و غیرمالی به عبادت خداوند بپردازند و رضایت او را فراهم آورند. بنابراین، نوع نگرش اسلام به این مباحث به کلی با دیگر مکتب ها متفاوت است.

۲. راهکارهای تحقق عدالت اقتصادی در اسلام

اسلام برای رفع فقر و از میان بردن فاصله های فاحش ثروت و درآمد، می کوشد با کنترل مناسب، ثروت را تعدیل کند و با تأمین اجتماعی، سطح متوسطی از زندگی را برای نیازمندان فراهم آورد.(۱) بنابراین، دو راهکار کلی اسلام برای برقراری عدالت اقتصادی عبارتند از:

۱. تعدیل ثروت؛

۲. تأمین اجتماعی.

در این نوشتار، به اقتضای موضوع کوشیده ایم تا بحث «تعدیل ثروت» و راهکارهای اجرای آن از منظر اسلام تبیین گردد. درباره تأمین اجتماعی نیز باید گفت در اسلام، کار، پایه مالکیت و وسیله اصلی توزیع است و هرکس در برابر انجام دادن کار، مالک کالا یا خدمات می شود. با این حال،

۱- مبانی اقتصاد اسلامی، صص ۴۰۹ و ۴۱۰.

اسلام برای گروهی از افراد که یا به علت ضعف جسمی یا عقلی یا عوامل دیگر، توانایی کار ندارند یا اینکه می توانند کار کنند؛ ولی حاصل کار آنها کفاف زندگی شان را نمی کند، مقوله تأمین اجتماعی را مطرح می سازد و مسئول آن را هم دولت و عموم مردم معرفی می کند. از نظر اسلام، این افراد باید از ثروت عمومی جامعه بی نیاز شوند.

گفتنی است که اسلام به کسانی که قدرت فعالیت اقتصادی دارند، ولی از آن سر باز می زنند، اجازه استفاده از تأمین اجتماعی را نمی دهد؛ زیرا این گونه افراد بی کار، بدون حق، از دسترنج جامعه بهره خواهند برد. با این سیاست، از فرار و اتلاف نیروی انسانی جلوگیری می شود.(۱)

۳. تعدیل ثروت در اسلام

اشاره

۳. تعدیل ثروت در اسلام

زیر فصل ها

الف) اصول کلی

ب) راهکارهای تعدیل ثروت در اسلام

ج) پی آمدهای تعدیل ثروت در جامعه

الف) اصول کلی

اشاره

در مقوله تعدیل ثروت در اسلام، اصول و پیش فرض هایی وجود دارد که بدون پذیرفتن آنها، نمی توان به نتیجه مطلوب که همانا توزیع عادلانه و متوازن ثروت در جامعه است، دست یافت. در اینجا به طور خلاصه به بیان این اصول می پردازیم:

یک ـ کار و فعالیت

از دیدگاه اسلام، کار سبب می شود که کارگر مالک حاصل کار خویش شود، از آنجا که مالکیت خصوصی براساس کار پذیرفته شده است، مشخص می شود که انسان به طور طبیعی می خواهد مالک حاصل کار

۱- اقتصاد ما، ج ۲، ص ۲۸۶.

خویش باشد. این خواست، از این احساس ناشی شده است که هر فردی می خواهد بر کار خویش تسلط داشته باشد. همین شعور یا احساس است که به طور طبیعی، انسان را به تسلط بر حاصل کار خویش و بهره های ناشی از آن وامی دارد. به همین سبب، تملک براساس کار، حق طبیعی انسان است و از احساسات و عواطف غریزی وی سرچشمه می گیرد.(۱)

بنابراین، کار، اساس پیدایش مالکیت و ملاک اصلی در توزیع است. در سیره عملی بزرگان دین، همواره به کار و فعالیت سفارش شده است و همگان را از بی کاری و پرخوابی نهی کرده اند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «ملعون، ملعون، من القی کلّه علی الناس؛ کسی که بار زندگی خویش را بر دوش دیگران می اندازد، ملعون است».(۲)

دو ـ محترم شمردن مالکیت خصوصی

همان گونه که در اصل کار و فعالیت توضیح داده شد، اسلام، مالکیت خصوصی را به دلیل اینکه در نهاد انسان ریشه دارد، محترم می شمارد و افراد را مالک کار و تلاش خود می داند. وقتی کار، اساس مالکیت باشد، طبیعی است که باید برای کارگر نسبت به کالاهایی که در تولیدشان نقش داشته است، مالکیت پدید بیاید.(۳)

در آیه «یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لا تَأْکُلُوا أَمْوالَکُمْ بَیْنَکُمْ بِالْباطِلِ إِلاّ أَنْ تَکُونَ تِجارَةً

۱- همان، ج ۱، ص ۴۳۰.
۲- شیخ کلینی، الاصول من الکافی، تهران، انتشارات دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳، چ ۵، ج ۴، ص۱۲.
۳- اقتصاد ما، ج ۱، صص ۴۳۸ و ۴۳۹.

عَنْ تَراضٍ مِنْکُمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! اموال یکدیگر را به باطل (و از طرق نامشروع) نخورید، مگر اینکه تجارتی با رضایت شما انجام گیرد.» (نساء: ۲۹)، عبارت «عن تراض منکم» به طور ضمنی، بر حرمت مال و احترام به مالکیت افراد دلالت می کند.

سه _ محدودیت در مالکیت

اسلام با پذیرفتن مالکیت خصوصی، آن را مطلق و بدون محدودیت رها نکرده است، بلکه براساس ارزش های اسلامی، برخی تصرفات را که برای اجتماع زیان بخش است، مجاز نمی شمارد.

اسلام، برخلاف مکتب سرمایه داری، به مالک اجازه نداده است برای افزایش ثروت به طور مطلق و نامحدود به فعالیت اقتصادی بپردازد. همچنین برخلاف مارکسیسم، همه راه های سود را بر مالک تحریم نکرده است. خلاصه اینکه، موقعیت اسلام در حال تعادل میان آزادی مطلق و تحریم مطلق قرار دارد.(۱) از جمله مواردی که اسلام برای مالکیت، محدودیت قائل شده است، به منع اسراف و مصرف بی رویه، منع اتلاف اموال، حرمت کنز مال و حرمت احتکار می توان اشاره کرد.

چهار _ تقدیم مصالح جامعه بر منافع فرد

گاهی اوقات، منافع فردی با مصالح اجتماعی در تقابل قرار می گیرند. در چنین مواقعی، از دیدگاه اسلامی، مصالح جامعه بر منافع و مصالح فرد مقدم شمرده می شود. این موضوع به عنوان یک اصل در اسلام مطرح

۱- همان، ص ۴۴۳.

است و قواعدی از قبیل «لاضرر» در همین راستاست.

در مباحث اقتصادی نیز این اصل وجود دارد؛ یعنی فعالیت های اقتصادی جامعه نباید به گونه ای باشد که منافع یک فرد یا گروه ویژه، مصالح همه جامعه را به خطر اندازد. شهید مطهری در این باره چنین می گوید: «نظری وجود دارد مبنی بر اینکه منبع درآمد تمایلات بشر است و هر چیزی که تقاضایش وجود داشت و میل به خرید آن در مردم بود و سودآور بود باید عرضه شود. تقاضا، علت تامه جواز عرضه است، ولو اینکه عرضه مواد مهلک یا مضر به جامعه باشد، ولی اسلام برخی فعالیت های اقتصادی مانند فروختن شراب، آلات قمار، فروش کتب ضاله و... را تحریم می کند که از این موارد می توان نظر اسلام را در این زمینه نتیجه گرفت: «منبع درآمد، تمایلات و خواسته های افراد یا گروه خاصی نباید باشد، بلکه مصالح عمومی باید در نظر گرفته شود.» پس در عین حالی که اسلام طرفدار زیاد شدن ثروت است، ولی چون ثروت را هدف نهایی نمی بیند، دست زدن به هر راهی برای رسیدن به ثروت بیشتر را نیز مجاز نشمرده و مواردی را که برخلاف مصالح عمومی باشد تحریم کرده است».(1)

پنج _ ارتباط اقتصاد با اخلاق

در مکتب اقتصادی اسلام، اقتصاد و اخلاق با هم جمع شده است و احکام و قوانین اقتصادی جنبه اخلاقی نیز دارند؛ یعنی قوانین اقتصادی

۱- نظری به نظام اقتصادی اسلام، صص ۲۲ و ۲۳.

اسلام به گونه ای است که در پرورش انسان از جنبه معنوی و اخلاقی نیز مؤثرند. افزون بر این، در اسلام برخی فعالیت های اقتصادی به شکلی ویژه در زمینه اخلاق و معنویت تعریف شده اند. مثلاً مواردی مانند: انفاق مالی واجب و مستحب، صدقه، وقف و قرض الحسنه، همگی گویای پیوند میان اقتصاد اسلامی با اخلاق هستند، به گونه ای که اخلاق پشتوانه اجرای این گونه مسائل اقتصادی است.

شش _ اختیارات قانونی حاکم اسلامی در سیاست گذاری های کلان اقتصادی در جامعه

«یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا أَطیعُوا اللّهَ وَ أَطیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی اْلأَمْرِ مِنْکُمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید رسول خدا و اولوالامر را». (نساء:۵۹)

این آیه بر اطاعت از ولیّ امر (حکومت اسلامی) دلالت دارد. در واقع، بر اساس این آیه برای مقام عالی حکومت، حق و اختیار تعیین سیاست های کلان جامعه مانند سیاست های اقتصادی و غیراقتصادی وجود دارد تا بتواند از این رهگذر، قوانین الهی را به خوبی در جامعه اجرا کند و عدالت اجتماعی و اقتصادی را برقرار سازد.(۱)

بنابراین، اصل اختیارات حاکم اسلامی در سیاست گذاری های کلان اقتصادی جامعه، به این سبب است که دولت در امور اقتصادی، حق مداخله دارد تا سیر تولید، توزیع و مصرف جامعه را کنترل و از کج روی ها و تخلف ها جلوگیری کند.

۱- اقتصاد ما، ج ۱، ص ۳۶۱.

اسـلام به دلایـل زیر به ولیّ امر (حکومت اسـلامی) اجـازه داده است تـا در امور اقتصـادی جامعه دخالت کنـد و بر آن نظارت داشته باشد:

۱. تضمین و تعیین حداقل تولید کالاهای ضروری؛

۲. تصمیم گیری های قانونی در شرایط گوناگون درباره مسائل اقتصادی؛

۳. دخالت در توزیع عادلانه ثروت میان قشرهای گوناگون جامعه.(۱)

هفت ـ رفع کامل فقر از جامعه

اسـلام نه تنها خواسـتار حذف فقر مطلق از جامعه است، بلکه فقر نسبی یا به عبارت دیگر، وجود شـکاف طبقاتی میان قشرهای جامعه را نیز نمی پذیرد. تا زمانی که این فاصـله به حداقل میزان خود نرسد، دسـتورهای اسـلامی مبنی بر تعدیل ثروت و تأمین اجتماعی همچنان باقی است.

در جامعه اسـلامی هیـچ کس نباید فقیر بماند. این قاعده افراد مسـلمان و غیرمسـلمان را در برمی گیرد. در وسائل الشـیعه چنین آمـده است: «پیرمرد کهن سـالی که گـدایی می کرد، از کنار امیرالمؤمنین علی علیه السـلام گـذشت. حضـرت پرسـید که این کیست؟ گفتنـد: یا امیرالمؤمنین! نصـرانی است. حضـرت فرمود: از او چندان کار کشـیدید تا پیر و ناتوان شد، حال به او چیزی نمی دهید؟ خرج او را از بیت المال بدهید».(۲)

بنابراین، اسلام در زمینه تأمین معاش به انسان بودن فرد می نگرد و در

۱- همان، ج ۲، صص ۳۱۴ و ۳۱۵.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۹.

تأمین نیازمنـدی های فرد، مـذهب و عقیـده او را ملاک قرار نمی دهـد. براساس این بینش، پدیده فقر بایستی به کلی از سـطح جامعه برچیده شود و تا زمانی که وجود دارد، تکلیف آن بر دوش مردم و حکومت اسلامی سنگینی می کند.

ب) راهکارهای تعدیل ثروت در اسلام

اشاره

ب) راهکارهای تعدیل ثروت در اسلام

زیر فصل ها

یک ــ راهکارهای فرهنگی و اعتقادی

اسـلام در این حوزه، زیربناهای فکری، فرهنگی و اعتقادی اعضای جامعه را به گونه ای شـکل می دهـد که زمینه پایه گـذاری بسـیاری از احکـام و قوانین اقتصـادی برای تعـدیل ثروت آمـاده شود. به عبـارت دیگر، با ایجاد این شاکله ذهنی و فرهنگی در افراد جـامعه، بخش بزرگی از فرآینـد تعـدیل ثروت خـود بـه خـود انجـام می شـود. برای توضـیح بیشـتر مطلب، به پـاره ای از راهکارهای فرهنگی و عقیدتی اسلام برای رسیدن به هدف تعدیل ثروت در جامعه اشاره می کنیم.

نخست اینکه اصل برقراری پیوند میان اقتصاد و اخلاق از سوی اسـلام سـبب می شود تا مواردی همچون: انفاق، صدقه، وقف، قرض الحسـنه، ایثـار و بسـیاری از فعالیت های اقتصادی دیگر از این قبیل معنا پیـدا کنـد و تشویق های اسـلام به این گونه امور کارساز شود. از سوی دیگر، افراد جامعه، داوطلبانه و با انگیزه الهی، فقیران و نیازمندان را در ثروت خود شریک کنند.

افزون بر آن، اسـلام، به مفهوم سود و زیـان، وسـعت بخشـیده است؛ یعنی آن را از مقیـاس های مادی فراتر می برد. برای مثال، غذا دادن به فقیران و بینوایان را نوعی زیبایی و سود اخلاقی و معنوی معرفی می کند.

ص: ۵۹

از دیگر راهکارهای اسلام در این زمینه، ترویج قناعت و پرهیز دادن افراد از روحیه افزون طلبی و زیاده خواهی است. با این روش، اسلام، افراد جامعه را از ستم و چپاول حقوق دیگران بازمی دارد. همچنین مقدمات توزیع عادلانه ثروت را فراهم می آورد.

در بینش اسلامی، بینش عاریتی نسبت به اموال مطرح است. آیات و روایات گوناگونی بر این موضوع دلالت دارند که در اینجا به برخی اشاره می کنیم: «وَ أَنْفِقُوا مِمّا جَعَلَکُمْ مُسْتَخْلَفینَ فیهِ؛ از آن اموالی که خداوند، شما را به نیابت، مالک آنها قرار داده است، به دیگران بدهید». (حدید: ۷).

امام صادق علیه السلام می فرماید: «اَلمالُ مالُ اللّه یَضَعَهُ عِندَ الرَّجلِ وَدائعَ؛ مالک حقیقی مال و ثروت خداوند است که به دست هرکسی بخواهد به امانت می سپارد».(۱)

همه اینها بدان معنی است که فردی که مالک چیزی است، در حقیقت، به رسم امانت از سوی خداوند (که مالک حقیقی همه جهان است)، اموالی را در اختیار دارد. بنابراین، مکلف است براساس قواعدی از آنها استفاده کند. اگر این نوع نگرش بر جامعه اسلامی حکم فرما شود، همچون نیرویی بسیار قوی، رفتار مردم را کنترل می کند و همانند قید محکمی، مالک را به رعایت مقررات الهی وامی دارد. همچنان که وکیل، همواره ملزم به رعایت نظر موکل است.(۲)

باید گفت اسلام با طرح مسئله برادری اسلامی که از آیه: «إِنَّمَا الْمُؤمِنُونَ إِخْوَةٌ؛ همانا مؤمنان برادر یکدیگرند.» (حجرات: ۱۰) گرفته شده است،

ص: ۶۰

۱- همان، ص ۵۰۰.

۲- اقتصاد ما، ج ۲، ص ۱۸۶.

اساسی ترین گام ها را برای تعدیل خودکار ثروت در جامعه برمی دارد.

«این اصل، اصلی اساسی، اخلاقی، قرآنی، اجتماعی و اقتصادی است. اصل اخوت نخست ایدئولوژیکی و عقیدتی است و بر محور ایمان به خدای یگانه و اعتقاد به پیامبران و باور روز رستاخیز دور می زند، ولی این ایمان، جدای از آثار اجتماعی و اقتصادی و تعاونی خود نمی تواند باشد؛ زیرا که ایمان الهی _ اگر به واقع ایمان باشد _ به یقین در حیات جامعه و در روابط ملموس مردمان تأثیری عینی دارد. بنابراین، برادری اسلامی و اخوت قرآنی، اصلی ذهنی و اخلاقی صرف نیست، بلکه لوازم و آثاری واقعی و ملموس دارد و مددرسانی به یکدیگر و دستیاری مؤمنان و برادران از جمله آن آثار و لوازم است».(۱)

دو _ راهکارهای سیاسی

از جمله تدابیری که اسلام در حوزه سیاست برای تعدیل ثروت اندیشیده، این است که دولتمردان و رجال سیاسی را مکلف به ساده زیستی و همسان زیستی با محرومان کرده است تا از این رهگذر، زمینه اساسی برای تعدیل ثروت برقرار شود. در چنین حالتی، حاکم اسلامی، فقر و نبود امکانات رفاهی بینوایان را حس می کند و به فکر محرومان جامعه خواهد بود. پس تلاش خود را برای تعدیل ثروت و توزیع مناسب آن در جامعه به کار خواهد بست.

در قرآن کریم، زیستن با توده های محروم و زندگی در سطح طبقه فقیر

۱- محمد حکیمی، معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی علیه السلام، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰، چ ۱، صص ۲۴۸ و ۲۴۹.

و دوری از ثروتمندان از خدا بی خبر بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان حاکم جامعه اسلامی تکلیف شده است:

وَ اصْبِرْ نَفْسَکَ مَعَ الَّذینَ یَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَداهِ وَ الْعَشِیِّ یُریدُونَ وَجْهَهُ وَ لا تَعْدُ عَیْناکَ عَنْهُمْ تُریدُ زینَهَ الْحَیاهِ الدُّنْیا وَ لا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنا قَلْبَهُ عَنْ ذِکْرِنا وَ اتَّبَعَ هَواهُ وَ کانَ أَمْرُهُ فُرُطًا. (کهف: ۲۸)

خود را وادار تا با کسانی که بامداد و شامگاه پروردگار خویش را می خوانند و رضای او را می جویند، زندگی کنی و از آنان چشم برمگیر و از کسی که دل او را از یاد خویش غافل کرده ایم و او پیرو هوس خودش شده است و کارش زیاده روی است، پیروی مکن.

امام علی علیه السلام می فرماید:

خداوند، من را برای خلق خود امام قرار داد. پس بر من واجب ساخت که درباره خودم و خوردنی و نوشیدنی ام و لباسم اندازه ای _ همچون ناتوان ترین مردان _ نگاه دارم تا فقیر به فقر من اقتدا کند و ثروتمند به طغیان برنخیزد.

بنابراین، اسلام از حاکمان خواسته است تا هم سطح محرومان جامعه زندگی کنند و از اشرافی گری بپرهیزند و این گونه، زمینه فکری و عملی تعدیل ثروت از طریق حاکمان و مسئولان را فراهم می آورد. در این صورت، مسئولان هم به فکر محرومان جامعه و رسیدگی به حال آنها خواهند بود و در عمل، سیاست هایی را در پیش می گیرند تا سبب انباشت ثروت در دست گروهی خاص نشود، بلکه باعث تعدیل ثروت ثروتمندان و تأمین اجتماعی نیازمندان گردد.

پیداست که حاکمان بایستی هم خود از اشرافیت بپرهیزند و هم زیردستان خود را از این کار برحذر دارند. آنان باید با نظارتی دقیق، از

خطای مسئولان جلوگیری کنند. همچنان که امیرالمؤمنین علی علیه السلام ناظران و گزارشگرانی داشت که وضعیت والیان حضرت را به ایشان گزارش می دادند. اگر تخلفی صورت می گرفت، حضرت به تندی با فرد متخلف برخورد می کرد و به وی هشدار می داد و در مواردی هم او را عزل می کرد.(۱)

سه _ راهکارهای اقتصادی

اول _ اهمیت مال و حرمت تضییع آن

مال در نظام اجتماعی بشر، نقشی بسیار حیاتی دارد. اموال در قرآن و احادیث مایه «قوام» و «قیام» خوانده شده است. قرآن می فرماید: «وَ لا تُؤْتُوا السُّفَهاءَ أَمْوالَکُمُ الَّتی جَعَلَ اللّهُ لَکُمْ قِیامًا؛ اموالتان را که خداوند آن را سبب قوام (برپایی و استواری) زندگی شما قرار داده است، به دست کم خِردان (و ناواردان) ندهید». (نساء: ۵)

قوام و قیام از یک ریشه و دارای یک محتوا و معنای «ما یقوم به الشی»(۲) است؛ یعنی آنچه مایه ایستادگی و سبب پایداری و استواری و سامان یابی است. آیه یاد شده، آشکارا اهمیت مال و جایگاه آن را در اجتماع بشری بیان می کند. همچنین بیان کننده این موضوع است که اگر از مال به درستی استفاده نشود و به عللی مانند: اسراف، تبذیر و اتلاف، در موضع مناسب خود جای نگیرد، ایستادگی و قوام جامعه متزلزل خواهد شد. پیداست که چنین رویدادی از نظر فرهنگی، سیاسی، اقتصادی چه

۱- نک: نامه های ۴۰، ۴۱ و ۴۵ در نهج البلاغه.

۲- المفردات فی غریب القرآن، ص ۴۱۶.

پی آمدهایی خواهد داشت.

به همین دلیل و به منظور جلوگیری از تباهی کالاها و اموال و تأمین نیاز همگان، اسراف و تبذیر ممنوع و استفاده در حد میانه و اعتدال تکلیف شده است؛ زیرا اسراف، تجاوز از حد نیاز است و تبذیر، اتلاف مال به شمار می رود. همین تجاوز و اتلاف، سبب محرومیت نیازمندان از حق خودشان می شود.(۱) امام رضا علیه السلامی فرماید: «إنَّ اللّه ـ عَزَّوَجلَّ یُبغِضُ الْقیلَ وَ الْقالَ وَ إضاعَهِ الْمالِ وَ کَثرهِ السُّؤالِ؛ بی گمان، خداوند قیل و قال (گفتار و کلام بیهوده) و تباه سازی اموال و زیاد درخواست کردن را دشمن می دارد».(۲) هرگونه تباهی و فساد در اموال، از جمله اسراف و مصرف بیش از اندازه، سبب می شود تا مال که سرمایه زندگی و قوام زندگی انسان است، از مسیر اصلی خودش منحرف شود و کارکرد خود را از دست بدهد.

اسلام با بیان اهمیت مال و نقش کلیدی آن در پایداری اجتماع بشری و ممنوع بودن هرگونه تباه شدن مال از قبیل: اسراف، تبذیر و اتلاف درصدد است تا این گونه زندگی انسان را در مسیر صحیح به گردش درآورد و از انحراف آن جلوگیری کند. به این معنا که ثروت جامعه به بهترین شکل در امر تولید، مورد استفاده قرار گیرد. از سوی دیگر، در توزیع نیز به گونه ای عادلانه میان قشرهای گوناگون جامعه تقسیم شود.

۱- معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی علیه السلام، ص ۳۵۹.

۲- کافی، ج ۵، ص ۳۰۱.

دوم _ ایجاد بخش عمومی و منع استئثار

ما أَفاءَ اللّهُ عَلی رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُری فَلِلّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِی الْقُرْبی وَ الْیَتامی وَ الْمَساکینِ وَ ابْنِ السَّبیلِ کَیْ لا یَکُونَ دُولَهً بَیْنَ اْلأَغْنِیاءِ مِنْکُمْ. (حشر: ۷)

آنچه را خداوند از اهل این آبادی ها به رسولش بازگرداند، از آنِ خدا و رسول و خویشاوندان او و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است تا این (اموال عظیم) در میان ثروتمندان شما دست به دست نگردد.

این آیه و آیاتی مانند: «هُوَ الَّذی خَلَقَ لَکُمْ ما فِی اْلأَرْضِ جَمیعًا؛ او خدایی است که همه آنچه را (از نعمت ها) در زمین وجود دارد، برای شما آفرید.» (بقره: ۲۹) و همچنین «وَ اْلأَرْضَ وَضَعَها لِلْأَنامِ؛ زمین را برای خلایق آفرید.» (رحمان: ۱۰) و آیه ای دیگر در این زمینه، همگی عمومی بودن مواهب طبیعت را می رساند. همچنین بر این نکته تأکید می کند که هیچ فرد یا گروهی حق استثمار ندارد؛ یعنی هیچ کس حق ندارد با خودکامگی و استبداد، این گونه اموال عمومی را از آن خود کند.

به روایت امام باقر علیه السلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

خمسهٌ لَعَنْتُهُم _ وَ کُلُّ نبیٍّ مجابٍ _ اَلزّائِدُ فِی کِتابِ اللّه ِ وَ التّارِکُ لِسُنَّتی و الْمُستأثِرُ بِالْفِی ء اَلمُستحِلُّ له.(۱)

پنج نفرند که من و هر پیامبر مستجاب الدعوه ای آنان را لعنت کرده است: آن کس که در کتاب خدا آیه ای زیاد گرداند، کسی که سنت و روش مرا رها سازد، کسی که مال عمومی را به خود منحصر کرده و آن را حلال شمارد... .

از این حدیث، به روشنی درمی یابیم که استئثار و خصوصی کردن

۱- همان، ج ۲، ص ۲۹۳.

اموال عمومی از نظر شرع مقدس، حرام است. «اسلام برای تعدیل ثروت اغنیا، مالکیت بخشی از ثروت های طبیعی و نیز بخشی از ثروت های تحصیل شده به دست انسان را بخش عمومی اعلام کرده است. مالکیت انفال، شامل اراضی موات و آباد طبیعی، معادن، جنگل ها، دریاها و دریاچه ها و سدهای طبیعی بزرگ به دولت واگذار شده است و استفاده از آن بدون اذن حاکم اسلامی ــ در زمان تسلط او بر اداره امور جامعه ــ مجاز نیست. همچنین اداره اراضی آباد به دست آمده از کفار به جنگ یا صلح که متعلق به همه مسلمین است، در اختیار حکومت اسلامی قرار داده شده است که امکان تملک آنها برای افراد وجود ندارد و استفاده از آنها بدون اذن ولیّ امر مسلمین و عقد قرارداد معین و پرداخت مال الاجاره آن، جایز نیست».(۱)

در آیه یاد شده، فلسفه ایجاد بخش عمومی و واگذاری مالکیت انفال و فی ء به حکومت اسلامی، جلوگیری از انباشت ثروت در دست ثروتمندان بیان شده است؛ زیرا ایجاد بخش عمومی، درآمد و راه های به دست آوردن ثروت برای بخش خصوصی را محدود و از افزایش تصاعدی درآمد و ثروت بخش خصوصی جلوگیری می کند.

سوم ــ منع کنز اموال

از دیگر راه های اقتصادی اسلام برای تعدیل ثروت، ممنوع کردن کنز اموال است:

وَ الَّذینَ یَکْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّهَ وَ لا یُنْفِقُونَها فی سَبیلِ اللّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذابٍ أَلیمٍ.

ص: ۶۶

۱- مبانی اقتصاد اسلامی، ص ۴۱۹.

(توبه: ۳۴)

کسانی را که طلا و نقره را گنجینه (ذخیره و پنهان) می سازند و در راه خدا انفاق نمی کنند به مجازات دردناکی بشارت ده.

در معنای «کنز» این گونه آمده است: «الکنز جعلُ المال بعضه علی بعض و حفظهُ؛ کنز به معنای روی هم انباشتن مال و نگهداری آن است.»(۱) اشخاصی که با شیوه های گوناگون، اموالی را گرد می آورند و آنها را ذخیره می کنند، اهل کنز هستند. پول ها و سرمایه های شخصی باید به نوعی در جامعه در گردش باشد. گردآوردن و بر روی هم انباشتن و از دسترس استفاده عموم دور نگه داشتن اموال، کنز نام دارد و مانند استئثار اموال عمومی و منحصر ساختن منابع طبیعی، نوعی انحصارطلبی و شیوه ای غیراسلامی است.(۲)

اموال، مایه قوام جامعه است و وسیله تبادل کالا و خدمات به شمار می رود. پس اگر ثروتمندان با ذخیره و انباشت اموال، آن را از چرخه مبادله خارج کنند، نقش خود را از دست می دهد؛ یعنی عامل ناپایداری و نابسامانی جامعه خواهد شد. این کار از یک سو، ثروتمندان را به فساد، طغیان، افزون طلبی و غفلت می کشاند و از سوی دیگر، توده های مردم را از این اموال محروم می سازد و به تهی دستی آنان دامن می زند. امام صادق علیه السلام می فرماید:

این اموال زیاده را که خداوند به شما داده برای این است که در آن جهت و راهی

ص: ۶۷

۱- المفردات فی غریب القرآن، ص ۴۴۴.

۲- معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی علیه السلام، ص ۳۴۸.

که خدا خواسته، به کار برید و نداده است که انباشته کنید.(۱)

عبارت «این زیادی های در اموال» بیانگر این نکته است که آنچه افزون بر مخارج زندگی باشد، باید در جهت خدمت به جامعه صرف شود و انباشته نگردد. جمله «به راهی که خدا تعیین کرده است» نیز مفسِّر «فی سبیل اللّه » قرآن است که در آیه کنز آمده است. راه خدا نیز به معنای راهی است که رضای خداوند و رضای خلق او در آن باشد و این راه در مسئله اموال، چیزی جز انفاق مال در راه خدا و دستگیری از تهی دستان و نیازمندان نیست.

حرمت کنز مال از جمله تدبیرهای اسلام برای جلوگیری از انباشت ثروت در دست ثروتمندان و تعدیل ثروت آنان است. خداوند به افرادی که به انباشت ثروت دست بزنند، وعده عذاب می دهد.

چهارم _ تکلیف توانگران به رفع نیاز نیازمندان

درباره اصل پیوند میان اقتصاد اسلامی و اخلاق و همچنین اصل اخوت اسلامی، شارع مقدس، توانگران را به رفع مشکل و نیاز حاجتمندان و مستمندان مکلف ساخته است. در این زمینه احادیث گوناگونی وجود دارد که به پاره ای از آنها اشاره می شود:

امام رضا علیه السلام فرمود:

خداوند متعال، توانگران را مکلف ساخته است تا برای (اداره) امور بیماران زمین گیر و دیگر مبتلایان قیام کنند.(۲)

۱- کافی، ج ۴، ص ۳۲.

۲- شیخ صدوق، علل الشرایع، نجف، انتشارات المکتبه الحیدریه، ۱۳۸۵ هـ . ق، ج ۲، ص ۳۶۹.

امام علی علیه السلام نیز چنین می فرماید:

همانا خدای سبحان، روزی فقرا را در اموال سرمایه داران قرار داده است. پس فقیری گرسنه نمی ماند جز به کام یابی توانگران و خداوند متعال از آنان درباره گرسنگی گرسنگان خواهد پرسید.(۱)

باز در جای دیگر آن حضرت می فرماید:

خدا ثروتمندان را مکلف ساخت تا از مال خویش به بینوایان خوراک بدهند و بار سنگین زندگی را از دوش آنان بردارند.(۲)

دقت در کلمات به کار رفته در این احادیث (مانند «کَلَّفَ» و «فَرَضَ») آشکار می سازد که این موضوع، کاری استحبابی و تطوّعی نیست، بلکه تکلیفی است که خداوند بر دوش ثروتمندان گذاشته است. شاید حکمت و فلسفه این تکلیف، همان بینش عاریتی و استخلافی است که پیش تر بدان اشاره شد. ثروت ثروتمندان، امانتی است که خداوند به ایشان سپرده است تا خود از آن بهره مند شوند و به قدر نیاز آن را مصرف کنند. مازاد بر نیاز خویش را نیز به دستگیری از نیازمندان و شریک کردن آنها در مال خود تخصیص دهند. حال این پرسش مطرح می شود که ثروتمندان تا چه اندازه می توانند از اموال خویش بهره ببرند و چه مقداری از آن را بایستی انفاق کنند؟

امام صادق علیه السلام در این زمینه می فرماید:

المالُ مالُ اللّه ، یضعه عند الرجل ودائع و جَوَّزَ لهم أن یأکلوا قصدا و یشربوا قصدا

۱- نهج البلاغه، ص ۷۰۸، حکمت ۳۲۸.

۲- وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۲۱۳.

و یلبسوا قصـدا و ینکحوا قصـدا و یرکبوا قصـدا و یعودوا بما سوی ذلک علی فقراء المؤمنین و یَرُمُّوا به شَعْثَهم. فمن فعل ذلک کان ما یأکل حلالاً و یشرب حلالاً و یرکب حلالاً و ینکح حلالاً و من عدا ذلک کان علیه حراما.(۱)

مالـک حقیقی مـال و ثروت، خـداست که به دست هر کس بخواهـد به امـانت می سپارد. خوردن، آشامیـدن، سواری و دیگر تصـرفات را در آن مباح کرده است به شـرطی که رعایت اعتدال و اقتصاد را بکند و مازاد آن را به مؤمنان فقیر برساند تا با آن امور خود را اصلاح کنند. در غیراین صورت، همه آن تصرفات غیرمجاز و حرام خواهد بود.

بینش مطرح شده در این حدیث، نگرش ویژه اسـلامی است که اندیشه های مادی و سـرمایه داری به کلی با آن بیگانه اند. این نگرش، بینشی توحیدی است که براساس آن، انسان موحد، به تمام جنبه های زندگی خود رنگ خدایی و معنوی می زند. وی تمام فعالیت های خود را با هدف جلب رضایت خداوند انجام می دهد و در چنین صورتی، پیوسته در حال عبادت است.

از جملـه ابزارهـای اسـلام در این حـوزه برای تعـدیل ثروت، قرار دادن پرداخت هـای واجب مـالی ماننـد: خمس، زکـات، حق معلوم، دیه و کفـاره است. در این میان، مفهوم «حق معلوم» قـدری نیاز به توضـیح بیشتری دارد. در قرآن آمـده است: «وَ الَّذینَ فی أَمْوالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ لِلسّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ؛ کسانی که سائل و محروم در اموال آنان حقی معلوم دارنـد.» (معارج: ۲۴ و ۲۵) این آیه در احادیث به روشنی تفسیر شده و حدود تکلیفی آن مشخص گردیده است.

ص: ۷۰

۱- همان، ج ۱۱، ص ۵۰۰.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

خداونـد بزرگ در امـوال اغنیـا، حقـوق دیگری جز زکـات قرار داده و فرمـوده است: وَ الَّذینَ فی أَمْوالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ. پس حق معلوم (معین) غیر از زکـات است و آن چیزی است که هر کس تکلیف خود می دانـد که در مالش تعیین کنـد و واجب اسـت که در قلمرو و توان و به مقـدار ثروتش تعیین کنـد... و مبلغی را که متعهـد شده است، هر طور خواست، می تواند بپردازد، در هر روز یا در هر جمعه یا در هر ماه.(۱)

با توجه به این آیه ها و احادیث، اگر اجتماع اسلامی دچار کمبودها و مشکلات اقتصادی شود و فقر و تنگ دستی گریبان گیر بخش یا بخش هایی از جامعه گردد، این تکلیف برعهده ثروتمندان و توانمندان است که از ثروت خود برای رفع نیاز جامعه و رفع کمبودها و مشـکلات صـرف کننـد. تا زمانی که این فقر و تنگ دستی در جامعه باقی باشـد، این تکلیف همچنان بر دوش ثروتمندان و مالداران، سنگینی خواهد کرد.

پنجم ـ جلوگیری از درآمدهای نامشروع

گـاهی، جریـان هـای ناسالم در اقتصاد، سبب به وجود آمـدن مشـکلات معیشتی افراد جامعه می شود. به دیگر سـخن، جریان ثروت را که بایـدماننـد خون به همه اعضای جامعه اسـلامی برسـد و در تمام رگ های اجتماع در جریان باشـد، در قسـمت یا قسـمت هایی متراکم می کند و در پی آن، بخش های دیگری از اجتماع را دچار کمبود می سازد. طبیعی است چنین اقتصاد و اجتمـاعی از حـالت پایـداری و تعـادل منحرف و دچـار فسادهـا و انحراف های گوناگون اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی خواهد شد.

۱- همان، ج ۹، ص ۴۶.

شرع مقدس اسلام، با جلوگیری از درآمدهای نامشروع (مانند: کم فروشی، گران فروشی، احتکار، ربا، استثمار، غصب، سرقت و ارتشا) سبب می شود تا اموال به صورت عادلانه و متوازن میان بخش های گوناگون جامعه در گردش باشد و کارکرد اصلی خود را که همانا مایه سامان یابی، پایداری و ثبات اجتماع است، حفظ کند.

ج) پی آمدهای تعدیل ثروت در جامعه

اشاره

ج) پی آمدهای تعدیل ثروت در جامعه

زیر فصل ها

یک ــ پی آمدهای فرهنگی

دو ــ پی آمدهای اقتصادی

سه ــ پی آمدهای سیاسی

یک ــ پی آمدهای فرهنگی

اشاره

فرهنگ و رشد فرهنگی یک جامعه، ارتباط تنگاتنگی با وضعیت اقتصاد آن جامعه دارد؛ یعنی اگر در یک جامعه همه قشرهای جامعه یک سطح متوسط معیشتی داشته باشند، فرهنگ و تمدن در آن رشد و پیشرفت خواهد داشت. مردم زمانی به فکر امور فرهنگی و اجتماعی خواهند بود که نه چنان فقری دامن گیر آنان باشد که همه تلاش آنها برای به دست آوردن لقمه ای نان باشد و نه چنان غرق ثروت و تجمل شوند که دچار غفلت، بی تفاوتی، خوش گذرانی و تن پروری شوند. در این قسمت، به پاره ای از آثار فرهنگی تعدیل ثروت در جامعه اشاره می شود:

اول ــ کاهش روحیه افزون طلبی

تعدیل ثروت سبب می شود امکانات و ثروت ثروتمندان تعدیل می شود و قشرهای گوناگون جامعه در یک سطح معیشتی ــ البته با اختلاف درجه ــ قرار گیرند. چنین شرایطی از یک سو، آتش حرص ثروتمندان را سرد خواهد کرد و از سوی دیگر، احساس محرومیت نسبی و تلاش برای رسیدن به ثروت را در گروه نیازمندان از میان خواهد برد؛ زیرا زمانی که افراد جامعه در سطح نسبتا متعادل و یک نواختی قرار گیرند،

شکاف طبقاتی چندان نمودی نخواهد داشت تا در یک سو، حرص و زیاده خواهی و در سوی دیگر، احساس محرومیت نسبی ایجاد کند.

همـان گونه که در بحث ریشه هـای اقتصـادی افزون طلبی مطرح شـد، از جمله ریشه های اقتصادی بروز و پیـدایش حرص در جـامعه، نـابرابری اقتصـادی و اجتمـاعی است. بـا رفع این عـارضه و توزیع عادلانـه ثروت در میان گروه های گوناگون جامعه، قسمتی از عوامل پیدایش افزون طلبی در افراد جامعه حذف می شود و روحیه افزون طلبی کاهش خواهد یافت.

دوم ـ رشد معنوی جامعه

چنـان چه ثروت به صورت عادلانـه و متوازن توزیع نشـده باشـد، جـامعه به دو طیف متضاد تقسـیم می شود: گروه سیرِ سیر و گروه گرسـنه گرسـنه. هیچ کدام از این دو گروه به رشد والای انسانی و معنوی خویش نخواهند رسـید؛ زیرا طبقه سیر و مرفه دچار حرص می شود و پیوسته در فکر افزایش ثروت خود خواهـد بود. این گروه به سـبب ثروت فراوان، از یاد خداونـد غافل می شوند و طغیان می کنند و حاضـر به بندگی و عبادت خداوند نخواهند بود. قرآن می فرماید: «یَحْسَبُ أَنَّ مالَهُ أَخْلَدَهُ؛ گمان می کنـد که مالش او را جاودانه خواهد کرد.» (هُمَزه: ۳) یعنی پول و مال برای او تبـدیل به بت شده است و گمان می کند که این مال او را از تمامی آسیب ها حفظ می کند و جاودانه خواهد بود.

از سوی دیگر، به دلیل برآورده نشدن نیازهای اولیه طبقه ضعیف و نیازمند جامعه، نوبت به رشد و پرورش بُعد معنوی وجودی شان نمی رسـد؛ زیرا فقر و تنگ دستی به قدری مخرب و ویرانگر است که شاید دین انسان را برباد دهد. پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آلهمی فرماید: «کاد الفقر ان یکون کفرا؛ نزدیک

است که فقر انسان را به کفر بکشاند». (۱)

بنابراین، توزیع ناموزون ثروت در جامعه، رشد معنوی را مختل می سازد و جامعه را از دست یابی به سعادت بازمی دارد. این در حالی است که اسلام، هدف تمامی فعالیت های انسان را قرب الهی معرفی می کند. روشن است که چنین هدفی، در بعد اقتصادی جز با تعدیل ثروت و توزیع متوازن آن در جامعه و رفع فقر، میسر نخواهد بود. پس تعدیل ثروت سبب می شود که گروه های گوناگون جامعه در یک حد متناسب و معقول از نعمت های الهی بهره مند شوند و از افراط و تفریط بپرهیزند. در چنین شرایطی، مادیات کم رنگ می شود و معنویت در جامعه رشد خواهد کرد.

سوم _ کاهش انحراف ها و فسادهای اجتماعی

گفتیم که تعدیل ثروت باعث شکوفا شدن اخلاق و معنویت در جامعه خواهد شد. افزون بر آن، حذف پدیده فقر و شکاف طبقاتی از جامعه که از آثار اقتصادی تعدیل ثروت است، زمینه های حفظ شخصیت و عزتِ نفس افراد را فراهم خواهد آورد. طبیعی است در جامعه ای که فقر در آن ریشه کن و معنویت حکم فرما شده است، بسیاری از فسادهای اجتماعی و اخلاقی که به سبب فقر و تنگ دستی در جامعه بروز می کند، کاهش خواهد یافت.

۱- همان، ج ۱۵، ص ۳۶۶.

چهارم _ شکوفایی استعدادها و پیشرفت علمی جامعه

از مهم ترین منابع یک جامعه، منابع انسانی آن و به تعبیری دقیق تر، استعدادهای نهفته در تک تک انسان های آن جامعه است. هر یک از این استعدادها مانند گنج های پنهانی هستند که اگر فرصت ها و شرایط برای ظهور و بروز آنها آماده نشود، جامعه از این نظر آسیب خواهد دید؛ زیرا خداوند حکیم در هریک از انسان ها استعداد و توانایی ویژه ای نهاده است. جمله معروف «همه چیز را همگان دانند» گویای این واقعیت است. پس باید زمینه ها و فرصت ها برای همه انسان ها به صورتی برابر آماده باشد تا بتوانند این نیروها و انرژی های بالقوه خود را به فعلیت برسانند.

تعدیل ثروت و برقراری فرصت های برابر اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و... ، برای همه افراد و طیف های جامعه، استعدادهایی را که به خاطر فقر و نبود شرایط مناسب در زیر آوار نیازمندی و تنگ دستی پنهان بوده است، شکوفا می سازد و مجال علم آموزی و به کار بستن خلاقیت را برای آنها فراهم می سازد.

تنها در این حالت است که علم در جامعه رونق می یابد و خلاقیت ها و استعدادهای گوناگون آن را پرورش می دهند و به پیش می برند. بنابراین، تنها در چنین شرایطی می توان به پیشرفت علمی جامعه و تولید علم امیدوار بود.

دو _ پی آمدهای اقتصادی

اول _ حذف فقر از جامعه

گاهی ویژگی های شخصی افراد فقیر مانند: تنبلی، بی کاری و پایین بودن سطح فرهنگ در برخی افراد و اشخاص سبب فقر آنها شده است.

بـا این حـال، این علـل انـدک است و علت اساسـی در بیشتر موارد، سـتم ثروتمنـدان و نبود نظام متعادل و متوازن توزیع ثروت است. علل شخصی فقر افراد نیز به نوعی از همین ستم سرچشمه می گیرد.(۱)

در مقابـل، اجرای عـدالت اقتصـادی و برقراری نظـام عادلا‌نه توزیع ثروت، می توانـد مـایه اسـتغنای افراد نیازمنـد و طرد فقر از جـامعه شود. امـام کاظم علیه السـلامی فرمایـد: «لو عُـدِلَ فی الناس لاسـتغنوا؛ اگر در میان مردمان، عـدالت اجرا شود، بی نیاز خواهند شد.»(۲) بـدین ترتیب می توان کـاهش قله های ثروت ثروتمنـدان و پرشـدن دره های فقر در جامعه را از آشـکارترین آثار اقتصادی تعدیل ثروت برشمرد.

دوم _ کاهش فاصله طبقاتی

تعـدیل ثروت بـا کاسـتن از ثروت ثروتمنـدان و تأمین نیازمنـدی های فقیران سـبب می شود تا فاصـله طبقاتی کاهش یابـد. این کـاهش تـا جـایی بایـد صورت گیرد که همگی افراد جامعه در یک سـطح قرار گیرنـد. ناگفته نمانـد در این سـطح همگن نیز اختلا‌ف درجاتی وجود خواهـد داشت که این مقـدار اختلاف، اقتضای تفاوت انسان ها در توانایی ها و میزان تلاش آنهاست. به هر حـال، انسـان هـا بـا توانایی های متفاوت و گوناگون خلق شـده انـد و انتظار تساوی کامل درآمـد و ثروت آنها، انتظاری غیرمنطقی و نامعقول است.

از آغاز پیدایش جوامع بشری تاکنون، هیچ جامعه ای را نمی توان یافت

۱- معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی علیه السلام، ص ۱۳۵.

۲- کافی، ج ۱، ص ۵۴۲.

که انسان ها در آن از نظر ابزار ارضای نیاز و امکاناتشان، برابر بوده باشند. این برابری و تساوی هرگز امکان ندارد؛ زیرا انسان ها به طور طبیعی از نظر توانایی های فکری و جسمی با هم متفاوتند و حتی تحت شرایط و فرصت های یکسان و برابر، از محیط و طبیعت به طور متفاوت بهره برداری می کنند.(۱)

باید گفت آنچه در بحث کاهش فاصله طبقاتی اهمیت دارد، این است که این اختلاف و فاصله میان قشرهای جامعه، فاحش و شدید نباشد؛ یعنی سبب تقسیم جامعه به دو طبقه سیر سیر و گرسنه گرسنه نشود، بلکه افراد جامعه در یک سطح درآمدی و البته با اختلاف درجه قرار گیرند.

سوم ـ رشد و توسعه اقتصادی

برخی اقتصاددانان، تعدیل ثروت را با رشد اقتصادی ناسازگار می دانند. آنان معتقدند که رشد و توسعه اقتصادی یک اصل است. پس اگر رشد و توسعه اقتصادی به دست بیاید، رفاه عمومی خود به خود حاصل می شود و دیگر نیازی به تعدیل ثروت نیست؛ زیرا تعدیل ثروت، کاهش سرمایه گذاری در فعالیت های اقتصادی و در نتیجه، توسعه نیافتگی اقتصادی را در پی خواهد داشت.(۲) این نظریه یک نظریه سرمایه داری است که در آن اصل، سرمایه و سرمایه دار است. آنتونی گیدنز، جامعه شناس غربی، در نقد این نظریه می گوید: «این گونه سیاست های اقتصادی (کاهش نرخ مالیات به منظور رشد اقتصادی) ممکن است به توسعه اقتصادی

۱- آناتومی جامعه، ص ۴۴۲.

۲- مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، ص ۱۷۹.

شتاب بدهد یا ندهد، ولی نتیجه آن، معمولاً گسترش شکاف میان فقیران و ثروتمندان بوده و در عمل، شمار افرادی را که در فقر مطلق زندگی می کنند، افزایش می دهد. بررسی ها نشان می دهد که اکثریت بریتانیایی ها، فقیران را مسئول فقر خودشان می دانند و نسبت به کسانی با که «صدقه های دولتی» و «رایگان» زندگی می کنند، بدگمان هستند. بسیاری معتقدند افرادی که از خدمات رفاهی استفاده می کنند، اگر به طور جدی می خواستند، می توانستند کار پیدا کنند. بدبختانه این نظریه ها با واقعیت های فقر کاملاً بیگانه اند. در حدود یک چهارم افرادی که رسما در فقر زندگی می کنند، به صورتی شاغل هستند، ولی درآمدشان کمتر از آن است که آنها را به بالای آستانه فقر برساند. از میان بقیه، اکثریتشان کودکان زیر چهارده سال و افراد ۶۵ ساله و بالاتر و بیماران و معلولان هستند».(۱)

همچنین دلایل تجربی در جوامع توسعه یافته نشان می دهد که افزایش درآمد در آن جوامع نیز نرخ پس انداز و میزان سرمایه گذاری در فعالیت های مفید اقتصادی را بالا نمی برد، بلکه درآمدهای اضافی سبب استفاده از کالاهای لوکس و تغییر در معیشت طبقات بالاتر شده است. باید گفت کالاهای لوکس از جمله کالاهای وارداتی است و مصرف بیشتر آنها، به تولیدات داخلی و توسعه آنها صدمه وارد می کند. در حالی که افزایش مصرف کالاهای ضروری در طبقات ضعیف، به افزایش تولید داخلی و استفاده از نیروی انسانی خودی می انجامد که می تواند توسعه اقتصادی

۱- آنتونی گیدنز، جامعه شناسی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، ۱۳۷۷، چ ۴، ص ۲۵۴.

همراه با عدالت به ارمغان بیاورد.(۱)

بنابراین، نظریه اسلام در این باره به کلی مخالف سرمایه داری است. رشد ثروت و توسعه اقتصادی در اسلام، هدف نهایی نیست، بلکه یکی از اهداف اقتصادی اسلام است که آن را در کنار توزیع صحیح و عادلانه ثروت می پذیرد. با این وصف، رشد و توسعه مطلوب اقتصادی از نظر اسلام، رشد و توسعه ای است که در کنار عدالت اقتصادی و تعدیل ثروت باشد و این دو با هم، یک هدف را تشکیل می دهند و همچون دو بالی هستند که فرد و اجتماع را به سرمنزل مقصود می رسانند. بنابراین، تعدیل ثروت، آثار توسعه اقتصادی را متوجه کل اجتماع می کند و رشدی فراگیر و همه سویه در سایه عدالت اقتصادی، به دست خواهد آمد.

سه ـ پی آمدهای سیاسی

اول ـ کاهش روحیه اشرافی گری دولتمردان

افزون طلبی و اشرافی گری، مفاهیمی نزدیک به هم و مرتبط با یکدیگرند. تعدیل ثروت همان گونه که روحیه افزون طلبی را در افراد جامعه کاهش می دهد، روحیه اشرافی گری را نیز میان دولتمردان کاهش خواهد داد؛ زیرا از جمله راهکارهای سیاسی تعدیل ثروت در اسلام، تکلیف حاکمان و مسئولان به ساده زیستی و دوری از اشرافی گری است. اجرای این راهکار با نظارت دقیق بر مسئولان، مانعی برای بروز و رشد اشرافی گری میان مسئولان خواهد بود.

۱- مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، ص ۱۸۰.

دوم _ حمایت مردم از حکومت

حمایت مردمی، بزرگترین پشتوانه و مهم ترین عامل موفقیت یک حکومت است و این حمایت در سایه رضایت آنها از حکومت محقق می شود. این بدان معنی است که تا زمانی که مردم از عملکرد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی حکومت خود راضی نباشند، حاضر به حمایت و دفاع نخواهند بود.

یکی از عامل ها و ویژگی هایی که در رضایت مردم بسیار تأثیرگذار است، بهبود وضعیت زندگی آنان و حذف فقر و شکاف های عمیق طبقاتی است که این عامل به وسیله تعدیل ثروت تأمین خواهد شد.

سوم _ ثبات اجتماعی

اگر ثروت در جامعه به طور متعادل توزیع و فقر از جامعه برچیده شود و اختلاف طبقاتی به حداقل میزان ممکن برسد، مردم زندگی آرامی خواهند داشت؛ یعنی افزون طلبی از یک سو و دست و پنجه نرم کردن با فقر و بیچارگی از سوی دیگر، در جامعه دیده نخواهد شد. در پی ایجاد چنین فضایی، انحراف های اجتماعی و اقتصادی نیز کاهش می یابد. بنابراین، جامعه از یک ثبات اجتماعی برخوردار خواهد شد. در چنین جامعه ای، آشوب های داخلی به حداقل می رسد. همچنین افراد با رضایت از عملکرد حکومت، در فعالیت های اجتماعی شرکت می کنند و همگی به گونه ای محترم و آبرومند، هم زیستی مسالمت آمیزی خواهند داشت.

ص: ۸۰

بخش چهارم: همراه با برنامه سازان

اشاره

امروزه استفاده از وسایل ارتباط جمعی، روند فزاینده ای به خود گرفته است. این روند باعث شده تا این گونه وسایل بر الگوهای زندگی افراد جامعه به شدت تأثیرگذار باشند. در جهان معاصر که عصر تکنولوژی و اطلاعات است، رسانه های گروهی جایگاه بسیار ویژه ای دارند. به همین دلیل، مورد توجه طیف های گوناگون قرار گرفته اند. رادیو، تلویزیون، سینما، مطبوعات و... همگی مظاهر این گونه وسایل هستند، ولی در این میان، رادیو و به ویژه تلویزیون موقعیتی برتر دارند؛ زیرا:

۱. دامنه مخاطبان این دو رسانه بسیار گسترده است. بنابراین تأثیرگذاری اجتماعی بسیار وسیعی خواهند داشت.

۲. رادیو و تلویزیون قابلیت استفاده های گوناگون را با اهداف متفاوت و احتمالاً ضد و نقیض دارند. به عبارت دیگر، هر فرد یا گروهی می تواند بر اساس مبانی نظری و اهداف خود، تفکری ویژه یا یک مفهوم ارزشی

مورد نظر خودش را به جامعه القا کند یا اینکه تفکر و ارزش های فرد یا گروه دیگری را زیر سؤال ببرد.

۳. تأثیرپذیری بیننده هنگام تماشای یک برنامه تلویزیونی بسیار زیاد است؛ زیرا بیننده تلویزیون هنگام تماشای آن، در موقعیتی نسبتا منفعلانه قرار می گیرد. پس نمی تواند تصاویر و گفتار اشخاص را تجزیه و تحلیل کند. به همین سبب، خواسته یا ناخواسته مفاهیم اندیشه ها و واژه های گفتاری را می پذیرد. در حالی که خواننده یک کتاب این گونه نیست، بلکه نقشی فعال دارد. خواننده به راحتی می تواند درباره مطالب بیندیشد؛ آنها را بپذیرد یا رد کند.

با این مقدمه، پیداست که صدا و سیما در کشور ما می تواند نقشی بسیار ارزنده (و در عین حال حیاتی) در تبلیغ ارزش ها و معیارهای اسلامی ایفا کند که اگر به خوبی از عهده این مهم برآید، صلاح کل جامعه را در پی خواهد داشت. از سوی دیگر، کوتاهی در انجام این وظیفه، نیز به فساد کل جامعه و تخریب نظام ارزشی آن خواهد انجامید.

«افزون طلبی»، عارضه ای اخلاقی ـ اجتماعی است که همگی باید در ریشه کن کردن آن تلاش کنیم. بی شک، رادیو و تلویزیون، ابزاری کارا برای پیش گیری و مقابله با این بیماری هستند. «تعدیل ثروت» نیز یک مطلوب اجتماعی و اقتصادی اسلام است که فرهنگ و مقدمات ویژه ای را می طلبد. این فرهنگ سازی یکی از وظایف صدا و سیماست.

ص: ۸۲

نقد عملکرد صدا و سیما و ارائه راهکارهای کلی

در سال های پس از انقلاب، صدا و سیما، گام های قابل توجهی برای حذف مظاهر و نمودهای فرهنگ غربی و جای گزین کردن ارزش های اسلامی برداشته است. درباره «افزون طلبی و تعدیل ثروت» نیز فعالیت هایی مانند برنامه سازی، صورت گرفته است، ولی این برنامه ها تاکنون موفقیت و اثربخشی لازم را نداشته اند؛ زیرا:

۱. در این زمینه، راهبرد مشخصی وجود ندارد. داشتن راهبرد رسیدن به هدف از اصول اولیه موفقیت در هر زمینه ای است. این مبحث نیز از این قاعده مستثنا نیست؛ یعنی صدا و سیما باید در این باره برای خود، اهداف بلند مدت و کوتاه مدت تعیین و راهبرد دست یابی به این اهداف را نیز مشخص کند تا تمام برنامه ها در یک مسیر اجرا شود. برای نمونه، نهادینه کردن فرهنگ قناعت و ساده زیستی می تواند هدف بلند مدت باشد. در مرحله بعد، با تجزیه این هدف، مراحل رسیدن به هر قسمت از آن را گام به گام بپیماید.

۲. برنامه ها محتوا و جذابیت کافی ندارند. برنامه تلویزیونی در صورتی مخاطب را جذب می کند که محتوای مناسب و زیبایی و جذابیت داشته باشد.

منظور از محتوا داشتن یک برنامه این است که مطالب زیربنایی و پایه ای تشکیل دهنده برنامه براساس تحقیق علمی و نظریه های کارشناسی انتخاب شوند. موضوع مورد بحث نیز برای برنامه سازان کاملاً روشن شده باشد تا بتوانند با این مبانی علمی، برنامه ای شایسته و با غنای علمی تهیه

کنند. به عبارت دیگر، امر برنامه سازی در صدا و سیما باید تخصصی شود و برنامه سازان پیش از تهیه برنامه با مطالعه علمی و مشاوره با اندیشمندان و صاحب نظران آشنای به آن موضوع بر غنای آن برنامه بیفزایند. بنابراین، تخصصی شدن برنامه سازی و انجام تحقیق علمی پیش از تهیه یک برنامه، پیشنهادی برای رشد محتوایی برنامه ها است.

درباره جذابیت برنامه ها نیز می توان یک نظرسنجی عمومی از روش نمونه گیری ترتیب داد و در این نظرسنجی، به سلیقه ها، خواسته ها و مواردی که از نظر افراد گوناگون جامعه جالب و جذاب است، پی برد. با استفاده از نتایج این نظرسنجی ها و بهره گیری از مباحث تخصصی در مقوله مخاطب شناسی، می توان پیش بینی ها و کارهای لازم را در زمینه جذابیت برنامه ها انجام داد.

۳. وجود برنامه هایی که در عمل ارزش هایی چون قناعت و ساده زیستی را زیر پا می گذارند، مخاطب را دچار تناقض می کند. این تناقض و اختلاف در گفتار و کردار، در برنامه های صدا و سیما، بیننده را نسبت به این ارزش ها بی تفاوت یا گاهی متنفر می کند. امام صادق علیه السلام می فرماید: «کونوا دعاه الناس بغیر السنتکم؛ مردم را با وسیله ای غیر از زبان (با عملتان) به خیر و نیکی دعوت کنید.»(۱) این بیان امام صادق علیه السلام تأثیر عمیق عمل را نشان می دهد و مبلغان را به تبلیغ عملی فرا می خواند و به عبارت دیگر، بر هماهنگی گفتار و کردار دلالت دارد.

ص: ۸۴

۱- بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۳۰۹.

از جمله پدیـده هـای ناشایست در صـدا و سـیما که رونق گرفته، بروز تجمل گرایی در زمینه برنامه ها به ویژه فیلم ها، طنزها و مجموعه های داستانی است. در این برنامه ها، خانه های بزرگ، با وسایل و تجهیزات لوکس، مبلمان عالی، میز غذاخوری و... به چشم می خورد. افراد خانواده به ویژه خانم ها، لباس های زینتی و تجملی می پوشـند که گاهی در یک فیلم بارها این لباس هـا عوض می شود و مـدل هـای جدیـد جای آن را می گیرنـد. برنامه های طنز که بایستی معضـلات اجتماعی را با زبان شوخ طبعی و تلویحی به اطلاع مسـئولان و مردم برسانـد، متأسـفانه جولان گاهی برای تبلیغات شـرکت ها شـده انـد و محتوایی جز ترویج مسائل بیهوده ندارند. این برنامه ها از کارکرد اصـلی خود فاصـله می گیرند و به جای احیای ارزش ها و هشدار به مردم و مسئولان به عـاملی برای غفلت و سـرگرمی برای مخاطبان از یک سو و زمینه ای برای بروز رفتارهای غیرارزشـی و در برخی موارد ضد ارزشـی، از سوی دیگر بدل شده اند. برجسته ترین رفتارهای نادرست در این برنامه ها، مسخره کردن همدیگر، اسم گذاشـتن روی دیگری، غیبت و مسابقه و مفاخره در مادیات است که در حقیقت، آثار بسـیار منفی و ویران کننده در جامعه بر جـای گذاشـته است. اگر این رونـد به همین شـکل پیش برود، چگونه می توان انتظـار داشت که ارزش هـایی همچون قناعت، ساده زیستی، احترام به همـدیگر، کمک به دیگران و دسـتگیری از نیازمنـدان در جامعه، زنـده و پویا باشد؟ وقتی یک خانواده روستایی فیلمی را می بیند که در آن بهترین امکانات رفاهی آماده است، فرزندان خانواده آرزوی دست یابی به این زندگی را در سر می پرورانند.

ص: ۸۵

اندیشه زیاده خواهی در همین سنین کودکی در آنها به وجود می آید. از سوی دیگر، پدر خانواده نیز نزد خانواده شرمنده می شود و ممکن است به درآمدهای نامشروع روی آورد.

از دیگر موارد متناقض با هدف تعدیل ثروت در جامعه که در صدا و سیما دیده می شود، بزرگ نمایی شخصیت هایی است که با این ارزش ها در تضاد هستند. این کار تأثیر بسیار نامطلوبی در دست یابی به هدف برنامه های ارزشی یاد شده دارد؛ زیرا انسان ها نیروی الگوپذیری بسیار قوی دارند. طبیعی است که اگر این نیرو در مسیر صحیح هدایت نشود و به سمت الگوهای غیرارزشی و منفی گرایش پیدا کند، بسیار خطرناک خواهد بود.

بنابراین، به جای معرفی ها و بزرگ نمایی های بی دلیل، پیشنهاد می شود که شخصیت های دینی، علمی، هنری و تاریخی که این ارزش ها در زندگی آنها دیده می شود، به مخاطب معرفی شوند تا این الگوپذیری در مسیر صحیح خود هدایت شود.

۴. پخش افراطی و بدون کنترل پیام های بازرگانی، موضوع دیگری است. مسئله تبلیغات و معرفی کالاهای جدید، امری پذیرفته شده و لازم است، زیرا از یک سو سبب می شود تا افراد جامعه بدانند که برای تأمین نیاز خود به کجا و چه کالایی مراجعه کنند و به طور کلی چه کالاهایی در این زمینه موجود است. از سوی دیگر، سبب فروش محصولات شرکت تولیدکننده می شود و به چرخه اقتصاد و فعالیت های اقتصادی رونق می بخشد. البته این نکته را نباید فراموش کرد که پیام فرهنگی این آگهی ها

بسیار مهم است؛ یعنی باید دقت شود که: این آگهی ها و تبلیغات در تبلیغ کالاها و خدمات خود نیازهای اساسی افراد جامعه را تأمین کند یا اینکه می کوشند نیازهای کاذب و افراطی را برآورند. افزون بر آن، آیا مفاهیم و پیام های آشکار و پنهان انسان ها با نظام ارزشی یک جامعه اسلامی سازگار است یا خیر؟

بسیاری از شیوه های تبلیغی ما تقلیدی نازیبا از غرب است. لازم است با کارشناسی و هم فکری بیشتر، در پی یافتن راه هایی نو برای تبلیغات، به دور از تقلید و استفاده از فرهنگ غربی باشیم.(۱)

نکته مهم در این زمینه این است که صدا و سیما، سیاست گذاری تبلیغات داشته باشد؛ یعنی فقط جنبه تأمین مالی به وسیله تبلیغات را در نظر نگیرد، بلکه در راستای هدایت تبلیغات به سوی تبلیغات کیفی و واقعی گام بردارد. در این زمینه، پیشنهاد می شود که صدا و سیما مسابقه های ویژه ای را طراحی و در این مسابقه ها، تبلیغات برتر را معرفی کند. بدین گونه تبلیغات به سوی تبلیغاتی مطلوب، واقعی و کیفی هدایت می شود.

۵. برگزاری مسابقه های تلویزیونی به صورت حضوری، تلفنی و... که شرکت کننده گاهی فقط براساس شانس و در پاره ای موارد با اطلاعات عمومی معمولی برنده جایزه های بزرگ می شود. این برنامه ها به صورت آشکار و ضمنی بر روحیه افراد جامعه اثر می گذارد و تفکر پاداش و مزد

۱- مهدی نیک خو، نقش هنر و رسانه در تعلیم و تربیت، قم، انتشارات دارالثقلین، چ ۱، ۱۳۷۹، صص ۱۴۷ _ ۱۴۸.

بـدون زحمت و کار و تلاش را در آنان تقویت می کند. این گونه است که زمینه پیدایش حرص و افزون طلبی را در انسان به وجـود می آورد. بنـابراین، پیشـنهاد می شـود کـه صـدا و سـیما از برگزاری ایـن گـونه مسابقـات بـپرهیزد و به سـوی برگزاری مسابقـات سـالم و فـارغ از این آسـیب هـا گـام بردارد. برای نمونه می توان مسابقـات کتـاب خوانی، شـعر، مقـاله، تیرانـدازی، سوارکاری، مهارت های کامپیوتری، مفاهیم قرآنی و حتی مسابقه هایی با جوایز معقول و معمولی را جای گزین کرد.

۶. همچنین در این مباحث، از فیلم سازی مقایسه ای می توان استفاده کرد. به این صورت که در یک فیلم، دو شخصیت اصلی پیش بینی شود که یکی در خـانواده فقیر و دیگری در خـانواده ثروتمنـد زنـدگی می کنـد. در این میـان، انـدیشه هـای آن دو نسـبت به یکـدیگر و گفت وگوهـای میـان آنهـا در فیلم نمایش داده شود و در پایان نیز به گونه ای راه حل رفع این تضادها و شکاف ها ارائه گردد.

افزون بر این، فیلم نامه نویس برای الگوآفرینی می تواند شخصیت تأثیرگذار و محبوب فیلم خودش را در یک خانواده متوسط نشـان دهـد تـا بیننـده به یک زنـدگی متوسط و معمولی بیندیشـد. در برنامه کودک و نوجوان نبایـد به وسـیله صـحنه آرایی و شرایـط گوناگون تصویری، دنیایی خیالی برای کودک بسازیم؛ زیرا بر باطن و نهاد کودک اثر می گـذارد و رفتار آینـده او را شکل می دهـد، به گونه ای که وی در آینـده هم می خواهـد این دنیای خیالی خودش را محقق سازد. این شـرایط، زمینه های افزون طلبی و اشرافی گری را در کودک ایجاد می کند. پس می توان داستان هایی در

ص: ۸۸

زمینه افزون طلبی و تعدیل ثروت مانند داستان حضرت موسی علیه السلامو قارون(۱) در قالب کارتون و برنامه های کوتاه به کودکان ارائه کرد.

پیشنهادهای برنامه ای

۱. فیلم ها و مجموعه های داستانی

قصه و داستان، جنبه های آموزشی بسیار بالایی دارند. قرآن نیز از این شیوه بیان مطالب، بسیار استفاده کرده و بسیاری از مفاهیم ارزشی را در قالب شخصیت ها و گفتار و کردار آنها و به شیوه قصه و داستان، به انسان ها آموزش داده است. این حقیقت، تأثیر بسیار زیاد داستان در مخاطب را آشکار می کند. خوب است که برنامه سازان صدا و سیما از این شیوه بیان به بهترین شکل در ساختارهای رادیویی و تلویزیونی خود بهره ببرند و فیلم ها و مجموعه های داستانی با موضوع هایی در زمینه های زیر به جامعه ارزشی و اسلامی ایران ارائه دهند:

قناعت؛ ساده زیستی؛ آرامش ناشی از قناعت و مقایسه آن با اضطراب؛ غم و اندوه برخاسته از حرص و افزون طلبی، ایثار و گذشت، برادری اسلامی و رسیدگی به حال محرومان، انفاق و تقسیم مال با فقیران و سهیم کردن آنها در زندگی خود، پرهیز از اسراف و تبذیر، نمایش آفت های یک جامعه طبقاتی و... .

در زمینه حرص، پول دوستی، زیاده خواهی و عاقبت آن، داستان قارون در قرآن می تواند بسیار مفید باشد. در این داستان، وضعیت قارون و عقاید

۱- قصص: ۷۶ _ ۸۲ .

او و در نهایت سرنوشت او تجسم می یابد. قارون، ثروت فراوانی داشت و مردم آرزوی داشتن چنان ثروتی را در سر می پروراندند. در پایان نیز جریان در زمین فرو رفتن قارون با تمام مال و اموالش را مطرح می کند و شکرگزاری مردم را از اینکه به چنان سرنوشتی دچار نشدند، یادآور می شود.

۲. برنامه های طنز

پیشنهاد می شود که در این برنامه ها، موضوع های زیر استفاده شود:

الف) اشرافیت طلبی در میان برخی مسئولان؛

ب) وجود نظام طبقاتی، فقر و نابرابری اجتماعی و اقتصادی در جامعه؛

ج) بی تفاوتی برخی مسئولان نسبت به محرومان و مستضعفان؛

د) بررسی مشکلات و موانع برقرار شدن عدالت اقتصادی؛ مشکلات و موانعی همچون: فقدان فرهنگ صحیح اسلامی، غرب زدگی و مصرف زدگی و اشرافی گری برخی مسئولان، ناآگاهی مردم و در نتیجه نبود خواسته عمومی درباره تعدیل ثروت و حذف فقر از جامعه، سیاست زدگی جامعه و... .

۳. برنامه کودک و نوجوان

با توجه به اینکه کودکان و نوجوانان، گسترده ترین طیف بیننده تلویزیون هستند و افزون بر آن، بیشترین تأثیرپذیری از برنامه های آن را دارند، لازم است به جنبه تربیتی برنامه های این گروه بسیار توجه شود. در این زمینه پیشنهاد می شود که کارتون ها و برنامه های جالب و جذاب

درباره این موضوع ها در قسمت «فیلم ها و مجموعه های داستانی» به وسیله برنامه سازان آشنا با این مفاهیم ساخته شوند.

۴. برنامه مستند

یک برنامه مستند، مخاطب را با حقایق موجود در جامعه به صورتی کاملاً ملموس آشنا می سازد. باید گفت این گونه برنامه ها بسیار اثرگذارند.

پیشنهاد می شود برنامه سازان با تهیه برنامه های مستند، وضعیت زندگی فقیران را در گوشه و کنار شهرها و روستاها نشان دهند و هم زمان با آن، تصاویر مربوط به ساختمان های مجلل ثروتمندان و ماشین های آخرین مدل آنها را پخش کنند تا بیننده با مقایسه این دو به داوری بنشیند. همچنین مصاحبه با مسئولان و نظرخواهی از مردم در این زمینه، مفید خواهد بود. اینها سبب می شود تا افراد جامعه از پی آمدهای افزون طلبی و نابرابری اقتصادی و توزیع غیرعادلانه ثروت و درآمد باخبر شوند. با ادامه این مجموعه های مستند، اهمیت موضوع بر همگان روشن و خواسته عمومی مردم از مسئولان مشخص خواهد شد.

در این صورت، مسئولان و مردم، همگی دست در دست هم، به ریشه یابی این مسئله می پردازند و برای حذف افزون طلبی، نظام طبقاتی، فقر و نابرابری از سطح جامعه، گام برمی دارند.

پرسش های مردمی

۱. به نظر شما حرص و افزون طلبی به چه حالتی گفته می شود؟

۲. منظور از توزیع عادلانه ثروت چیست؟

ص: ۹۱

۳. تأثیر افزون طلبی بر خانواده ها چیست؟

۴. یک فرد حریص و افزون طلب چه ویژگی هایی دارد؟

۵. علل بروز حرص در فرد و جامعه چیست؟

۶. به نظر شما آیا افزون طلبی برخی از افراد با وجود فقر در جامعه ارتباط دارد یا خیر؟ چگونه؟

۷. حریص چگونه می تواند بر حرص خود غلبه کند؟

۸. قناعت و ساده زیستی به چه معناست؟

۹. راه حل حذف فقر از جامعه چیست؟

۱۰. دولت در زمینه تعدیل ثروت چه کارهایی می تواند انجام دهد؟

۱۱. واجبات مالی یک فرد مسلمان چیست؟

۱۲. آیا پرداخت واجبات مالی از سوی افراد جامعه به رفع فقر و تضاد طبقاتی در جامعه کمک می کند؟

۱۳. تکلیف دولتمردان در زمینه برقراری عدالت اقتصادی و رفع فقر چیست؟

۱۴. وظیفه ثروتمندان در قبال مستمندان چیست؟

پرسش های کارشناسی

۱. معنای لغوی و اصطلاحی حرص (افزون طلبی) را بیان کنید.

۲. ریشه های فردی و اجتماعی پیدایش حرص را تشریح و این موارد را در جامعه کنونی بررسی کنید.

۳. پی آمدهای فردی، خانوادگی و اجتماعی افزون طلبی چیست؟

۴. از یک سو، انسان موجودی نامحدودخواه است و از سویی دیگر، از

حرص و زیاده خواهی منع شده است. این موضوع را تبیین و علت این فهم دوگانه را بیان کنید.

۵. قناعت چیست و چگونه می توان آن را در فرد و جامعه نهادینه کرد؟

۶. رابطه قناعت در مصرف را با تلاش در تولید توضیح دهید.

۷. رابطه افزون طلبی با تعدیل ثروت چگونه است؟

۸. دیدگاه اسلام و سرمایه داری درباره عدالت اقتصادی و توزیع ثروت را با یکدیگر مقایسه کنید.

۹. نظر اسلام در مورد مال و ثروت چیست؟ چه نوع ثروتی مطلوب و چه نوع ثروتی مطرود است؟

۱۰. آیا اقتصاد با اخلاق ارتباط دارد؟ اگر آری، چگونه و در چه جاهایی؟

۱۱. تعبیر قرآنی «کَیْ لا یَکُونَ دُولَهً بَیْنَ الْأَغْنِیاءِ مِنْکُمْ» را تفسیر و مصداق های امروزین آن را بیان فرمایید.

۱۲. مسئولیت دولت اسلامی برای برقراری عدالت اقتصادی و تعدیل ثروت و رفع فقر و شکاف طبقاتی را تشریح و انتقادها و پیشنهادهای خود را در زمینه عملکرد دولت بیان کنید.

کتاب نامه

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، قم، انتشارات امام المنتظر عج الله تعالی فرجه الشریف ، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۱.اصفهانی، راغب، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، انتشارات دارالمعرفه، چاپ سوم، ۱۴۲۲ هـ . ق.

۲. حکیمی، محمد، معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی علیه السلام، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۰.

۳. خلیلیان اشکذری، محمد جلال، فرهنگ اسلامی و توسعه اقتصادی ، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۴. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی، قم، انتشارات سمت، چاپ دوم، ۱۳۷۴.

۵. رفیع پور، فرامرز، آناتومی جامعه، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۶. ________________ ، توسعه و تضاد، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم، ۱۳۷۶.

۷. شعاری نژاد، علی اکبر، روان شناسی رشد، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ پنجم، ۱۳۶۴.

۸. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البیت لإحیاء التراث، چاپ دوم، ۱۴۱۴هـ . ق.

۹. شیخ صدوق، علل الشرایع، نجف، انتشارات المکتبه الحیدریه، ۱۳۸۵ هـ . ق.

۱۰. صدر، سید محمد باقر، اقتصاد ما، ترجمه: محمد کاظم موسوی، انتشارات برهان و مؤسسه انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۵۰.

۱۱. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، تهران، انتشارات محمدی، چاپ سوم، ۱۳۶۳.

۱۲. کرمی، محمد مهدی و محمد پورمند (نبی زاده)، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، قم،

انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۱۳. کلینی، الاصول من الکافی، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم،۱۳۶۳.

۱۴. گیدنز، آنتونی، جامعه شناسی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران، نشرنی، چاپ چهارم، ۱۳۷۷.

۱۵. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ هـ. ق.

۱۶. مطهری، مرتضی، نظری به نظام اقتصادی اسلام، تهران، انتشارات صدرا، چاپ ششم، ۱۳۷۵.

۱۷. نراقی، مهدی، جامع السعادات (ترجمه: علم اخلاق اسلامی)، ترجمه: سید جلال الدین مجتبوی، تهران، انتشارات حکمت، چاپ ششم، ۱۳۸۱.

۱۸. نمازی، علی، مستدرک سفینه البحار، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.

۱۹. نیک خو، مهدی، نقش هنر و رسانه در تعلیم و تربیت، قم، انتشارات دارالثقلین، چاپ اول، ۱۳۷۹.

ص: ۹۵

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹